



## افشای دارایی‌های نامشهود: رویکردی کاربر محور برای بهبود گزارشگری مالی

اکبر دلیریان<sup>۱</sup>

مهدی مشکی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۸/۱۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۱/۰۲ فاضل محمدی نوده<sup>۳</sup>

سینا خردیار<sup>۴</sup>

### چکیده

با توجه به گذر جوامع از عصر صنعت به عصر اطلاعات، اهمیت دارایی‌های نامشهود نیز در دنیای تجارت بیشتر شده است. موج حرکت شرکت‌ها به سوی سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود و تشکیل، تشویق و تمایل به ایجاد شرکت‌های دانش بنیان و تکنولوژی محور نشان از تغییر مدل‌های تجاری، استراتژی‌ها و حرکت به سوی اقتصاد توسعه یافته است. با این حال، به نظر می‌رسد استانداردهای حسابداری مربوط به دارایی‌های نامشهود از این حرکت جا مانده و مورد غفلت واقع شده‌اند. هدف این پژوهش طراحی الگویی برای بهبود گزارشگری مالی دارایی‌های نامشهود بر اساس نظرات کاربران اصلی این گزارش‌ها است. این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی بوده که با استفاده از رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد انجام شده است. جامعه آماری شامل حساب‌رسان، کارشناسان رسمی دادگستری، مسئول اعتبارات بانک‌ها، مدیران شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مدیران شرکت‌های دانش محور بوده که با استفاده از رویکرد نمونه‌گیری هدفمند در مجموع تعداد ۱۵ نفر به عنوان مشارکت‌کنندگان پژوهش انتخاب شدند. داده‌ها به روش مصاحبه و بصورت نیمه ساختاریافته گردآوری شد و سپس با استفاده از تحلیل مضمون، مضامین اصلی شناسایی و با استفاده از نرم افزار NVIVO شبکه آنها رسم گردید. مقوله‌های علی، محوری، راهبردی و پیامد معرفی شدند و در این میان گزارشگری مالی به عنوان متغیر مداخله‌گر شناسایی شد، مولفه‌ای که رد آن در تمام مقوله‌ها قابل مشاهده بود سودمندی اطلاعات برای تصمیم‌گیری در مورد دارایی‌های نامشهود بود که به عنوان مقوله محوری معرفی گردید.

### کلمات کلیدی

دارایی‌های نامشهود، اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری، تئوری داده بنیاد

۱- گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. Akbardalirian@yahoo.com

۲- گروه مالی، واحد رشت، دانشگاه پیام نور، رشت، ایران. (نویسنده مسئول) Mhd.meshki@yahoo.com

۳- گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. mnfazel@gmail.com

۴- گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. Sina.kheradyar@gmail.com

در عصر مدرن امروزی با توسعه فناوری اطلاعات، تجارت الکترونیکی و ظهور و فراگیر شدن استفاد از اینترنت، عصر اقتصاد دانش محور شکل گرفت. با شکل‌گیری اقتصاد دانش محور، عوامل حائز اهمیت برای موفقیت شرکت‌ها به توانایی و اثربخشی آنها در ایجاد، توسعه و به کارگیری دانش تغییر یافت [۳۰]. روش ایجاد ارزش شرکت از عوامل سنتی مربوط به تولیدات فیزیکی به دانش نامشهود منتقل شد. در چنین شرایطی ممکن است بخش بزرگی از ارزش شرکت منعکس کننده دارایی‌های نامشهود باشد. از این رو جهت ارزیابی ارزش شرکت، نه تنها باید دارایی‌های مشهود را در نظر گرفت، بلکه توانایی و قدرت ایجاد ارزش توسط دارایی‌های نامشهود را نیز باید مد نظر قرار داد [۱۳]. افزایش شکاف بین ارزش واقعی و ارزش دفتری شرکت‌ها، توجه محققان را برای توضیح ارزش نامرئی که در این بین از صورت‌های مالی حذف شده، جلب کرده است [۶]. دارایی‌های نامشهود یک دارایی قابل تشخیص غیر پولی و فاقد ماهیت عینی است. بر اساس استاندارد شماره ۱۷ ایران یک دارایی نامشهود تنها زمانی شناسایی می‌شود که جداسدنی باشد یا از حقوق قراردادی یا سایر حقوق قانونی ناشی شود.

این در حالی است که یکی از اصول اولیه حسابداری، اصل افشای کلیه واقعیت‌های با اهمیت و مربوط درباره رویدادها و فعالیت‌های مالی واحدهای تجاری است. گزارشگری مالی بر ارائه اطلاعات کافی و مهم در صورت‌های مالی تاکید دارد و خواستار افشای اطلاعات مربوط در صورت‌های مالی به گونه‌ای است که از یک طرف، امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه را برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی فراهم کند و از طرف دیگر، باعث گمراهی آنان نشود [۱۱]. این در حالی است که دارایی‌های نامشهودی از قبیل کارکنان بامهارت، ارتباط با مشتریان، دانش علمی و تکنولوژیکی، فرآیندها و سیستم‌ها و... بر اساس استاندارد شماره ۱۷ حسابداری ایران به عنوان دارایی نامشهود شناسایی نمی‌شوند؛ زیرا، با تعاریف و ویژگی‌های ارائه شده از دارایی نامشهود در این استاندارد مطابق نمی‌باشند. بسیاری از دارایی‌های نامشهود ایجاد شده در واحد تجاری نیز به دلیل وجود انواع مختلف مشکلاتی که مسائل شناسایی و شناخت یک دارایی را احاطه کرده است، معیارهای استاندارد مذکور را برآورده نمی‌کنند و به همین دلیل نیز شناسایی نمی‌گردند. در این راستا استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۸ نیز به تجویز رفتار حسابداری شامل معیارهای شناخت، نحوه اندازه‌گیری، طبقه‌بندی، گزارشگری و الزامات افشای دارایی‌های نامشهود در شرکت‌ها می‌پردازد. هدف استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۸، تجویز رفتارهای حسابداری برای دارایی‌های نامشهودی است که در سایر استانداردها به طور مشخص مورد اشاره و بررسی قرار نگرفته‌اند. این استاندارد، واحد تجاری را الزام می‌کند تا یک دارایی نامشهود را تنها در صورت وجود معیارهای خاص

### ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

شناسایی کند. این استاندارد همچنین تعیین می‌کند که چگونه مبلغ دفتری دارایی‌های نامشهود اندازه‌گیری شود و الزامات خاص افشا درباره آنها ارایه شود. در مجموع بر اساس استانداردهای ایران و استانداردهای بین‌المللی دارایی‌های نامشهود تنها در یک محدوده خاص مورد شناخت قرار می‌گیرد. یک راه حل برای این مشکل می‌تواند افشای خارج از چارچوب‌های فعلی باشد. افشای خارج از چارچوب‌های فعلی گزارشگری ممکن است انواع دیگری از گزارشگری همچون گزارشگری چند ستونی [۶۱] یا گزارشگری مرکب [۴۵] و یا گزارشگری مبتنی بر اینترنت را موجب شود.

در ادبیات موجود علاوه بر روش‌های فوق رویکردهای دیگری نیز برای افشای اطلاعات پیشنهاد شده است که بطور ویژه جهت گزارشگری دارایی‌های نامشهود طراحی شده‌اند و به منظور غلبه بر ضعف‌ها و نقص‌های رویکردهای فعلی انتشار صورت‌های مالی، توسعه یافته‌اند [۱۷، ۳۰، ۵۰، ۸۸]. رویکردهای مذکور در انواع مختلفی وجود دارند چرا که فاقد یک چارچوب مفهومی عام می‌باشند. هر یک از آنها در ارزیابی، اندازه‌گیری، مدیریت و گزارشگری دارایی‌های نامشهود با یکدیگر تفاوت‌های زیادی دارند و اکثراً هم به عنوان رویکرد گزارشگری سرمایه فکری یا دارایی نامشهود شناخته می‌شوند. اکثر رویکردهای ارائه شده توسط این محققان با یکدیگر همپوشانی دارد. تقریباً همه مدل‌های ارائه شده در ادبیات حاضر توسط نویسندگان آنها ادعا می‌شود که مربوطترین مدل می‌باشند. با این حال هیچ یک از این رویکردها دارای محبوبیت عام نمی‌باشد و از آنجا که اکثر این روش‌ها دارای گرایش کیفی بوده و ماهیتاً ذهنی می‌باشند، لذا اعتبار تجربی چندانی نداشته، کلی بوده و قریب به اتفاق از مبانی تئوریک قوی برخوردار نمی‌باشند. در مجموع با توجه به مطالب فوق می‌توان بیان کرد افشای دارایی‌های نامشهود با سه مسئله اصلی روبرو است: تعریف و شناسایی، اندازه‌گیری، و افشا برای استفاده‌کنندگان. در خصوص این مسائل رویکرد جامع و پذیرفته شده‌ای وجود ندارد. بنظر می‌رسد موضوع مربوط به افشای دارایی‌های نامشهود چه از دیدگاه تئوریک و چه از دیدگاه عملی هنوز هم در مرحله طفولیت خود قرار دارد. بسیاری از صاحب‌نظران نسبت به مفید بودن صورت‌های مالی کنونی دچار تردید می‌باشند. آنها تغییرات قابل توجهی را برای صورت‌های مالی کنونی شناسایی کردند که اگر اعمال شود گزارش‌های مالی را به منظور اتخاذ تصمیمات مفیدتر توانمندتر می‌سازد. یکی از منابع اصلی این تغییرات عدم شناسایی و افشای صحیح دارایی‌های نامشهود می‌باشد [۴۲، ۴۶، ۴۷، ۵۹].

بنا بر عقیده‌ی صاحب‌نظرانی چون ادوینسون<sup>۱</sup>، (۲۰۱۳)، جونز<sup>۲</sup>، (۲۰۱۱) و کانگ و گری<sup>۳</sup>، (۲۰۱۱) حسابداری صورت‌های مالی فعلی دیگر مفید نیستند. یکی از دلایل اصلی نظر این محققان نیز فقدان اطلاعات مرتبط با مفاهیم ناملموس در صورتهای مالی است. این دیدگاه‌ها یا از مشاهدات شخصی

## فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار / شماره چهل و دوم / بهار ۱۳۹۹

نویسندگان و یا با تحقیق در زمینه نظریه حسابداری اثباتی<sup>۴</sup> حاصل شده است [۳۷، ۶۹، ۷۳، ۹۴]. با توجه به این مهم و نظر به ضرورت افشای دارایی‌های ناملموس و نامشهود، ایجاب می‌کند که ضمن برطرف نمودن کاستی‌های صورت‌های مالی فعلی و گزارشگری فعلی، نسبت به ایجاد چارچوبی برای افشای دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها اقدام کرد. بر این اساس باید مدلی ارائه گردد تا کارایی صورت‌های مالی فعلی را با تمرکز بر افشای دارایی‌های نامشهود توسعه دهد. به عبارت دیگر، نیاز به ایجاد و ارائه یک چارچوب می‌باشد که مفید، و منطبق بر نیازهای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی بوده و قابل قبول برای ارائه دهندگان صورت‌های مالی، حساب‌برسان و استاندارد گذاران باشد و در عین حال صورت‌ها و گزارش‌های مالی که در حال حاضر منتشر می‌شود را نیز بهبود بخشد. به منظور دستیابی به چنین هدفی باید ابتدا درک نیازها و دیدگاه ارائه دهندگان صورت‌های مالی، کاربران و حساب‌برسان در رابطه با افشای اطلاعات مرتبط با دارایی‌های نامشهود به درستی صورت گیرد. پژوهش حاضر در تلاش است تا با درک نیازها و دیدگاه کاربران گزارش‌های مالی به تبیین و ارائه چنین چارچوبی بپردازد.

### **مبانی نظری پژوهش**

#### **مفهوم دارایی‌های نامشهود**

امروزه مدل جدیدی از دارایی‌ها در عرصه سازمانی مطرح شده و به طور کلی، دارایی‌های سازمان‌ها را به دو دسته دارایی‌های مشهود و نامشهود تقسیم می‌کنند. ارزش بازار دارایی‌های شرکت میکروسافت در سال ۲۰۰۱ حدود ۵۵ میلیارد دلار بوده، در حالی که در همان زمان ارزش سهام این شرکت در بازار بورس حدود ۳۰۰ میلیارد دلار بود، لذا تفاوتی حدود ۲۵۰ میلیارد دلاری به چشم می‌خورد؛ و این موضوع بیانگر ارزش پنهان شرکت یا همان وجود دارایی‌های نامشهود می‌باشد. دانش انجام کار یک شرکت، تحت عناوین متفاوتی نام‌گذاری می‌شود که در این بین، نام‌های مشترکی که به چشم می‌خورد عناوین دارایی‌های نامشهود و سرمایه فکری است. به دلیل کاربردهای زیاد این دو واژه، در حال حاضر بسیاری از صاحب‌نظران، آنها را هم معنی می‌دانند [۶]. از دیدگاه حسابداری، دارایی‌های غیرجاری را می‌توان به دو گروه مشهود و نامشهود تقسیم کرد. دارایی مشهود عینیت دارد ولی دارایی نامشهود فاقد عینیت است. دارایی نامشهود به یک دارایی غیر پولی و فاقد ماهیت عینی اطلاق می‌شود که به لحاظ حقوقی و مزایایی که مالکیت بر آن فراهم می‌آورد، دارای ارزش است. شناسایی دارایی‌های نامشهود، همواره با مشکلاتی همراه بوده است. با این حال سرمایه‌های فکری دارای اهمیت اقتصادی قابل توجهی برای بسیاری از شرکت‌ها می‌باشد و اثرات ناشناخته آنها هنوز هم در موضوعات حسابداری مورد بحث و بررسی است. مطالعه اهمیت دارایی‌های نامشهود بر اساس دیدگاه مبتنی بر منابع<sup>۵</sup> (RBV) و دیدگاه قابلیت‌های پویای

## ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکی، محمدی نوده و خردیار

شرکت<sup>۶</sup> (DCV) انجام می‌گیرد. در RBV، منابع کلیدی (منابعی که دارای چهار ویژگی اصلی ارزشمند، کمیاب، غیرقابل تقلید و غیرقابل جایگزینی و قابلیت سازمانی کردن و به کارگیری است)، می‌تواند برای شرکت مزایای رقابتی پایدار ایجاد کند. بنابراین طبق این دیدگاه، منابع نامشهود نیز همانند منابع مشهود بر مزیت رقابتی و عملکرد شرکت اثرگذار هستند. به گفته چن و همکاران (۲۰۰۴) دارایی نامشهود به مجموعه دانش‌ها و توانایی‌های همه کارکنان اطلاق می‌شود که ایجاد ثروت برای سازمان را به دنبال دارد. دارایی‌های نامشهود تفاوت بین ارزش بازار یک سازمان و هزینه جایگزینی دارایی‌های آن است. دارایی نامشهود به دارایی غیر پولی و فاقد ماهیت عینی اطلاق می‌شود که به لحاظ حقوقی و مزایایی که بر آن فراهم می‌آورد، دارای ارزش است. دارایی نامشهود شامل همه منابعی است که هر چند فاقد مواد فیزیکی هستند، اما مزایایی را در آینده نصیب صاحبان خود می‌کنند. این دارایی‌ها شامل دانش، نوآوری، شهرت و غیره است [۲۳]. امروزه دارایی نامشهود نقش بسیار مهمی در سلامت سازمان‌ها دارند. نگاه اجمالی به تعریف‌های مختلف دارایی نامشهود نشان می‌دهد که پژوهشگران هنوز بر سر یک تعریف واحد از آن توافق نظر ندارند؛ با این حال از جهات بسیاری شباهت‌هایی بین تعاریف مشاهده می‌شود. اغلب صاحب‌نظران معتقدند دارایی نامشهود یک دارایی غیر پولی بدون ظاهر فیزیکی، اما دارای ارزش است و می‌تواند منافع یا عوایدی را در آینده تولید کند.

### **دیدگاه کاربران نسبت به جنبه‌های مختلف گزارشگری فعلی دارایی‌های نامشهود**

#### **درک کاربران صورت‌های مالی**

در ادبیات موجود اصطلاحات مختلفی برای دارایی‌های نامشهود و دانش بکار رفته است، اما تعریفی منسجم از آن که مورد قبول اکثریت باشد، وجود ندارد [۴۰]. فقدان چنین تعریفی اثری معکوس بر تحقیقات مربوط به دارایی‌های نامشهود خواهد داشت [۵۴]. ادبیات مربوط به دارایی‌های نامشهود هنوز در مراحل طفولیت و آغازین خود قرار دارد [۶۷]. بنابراین این انتظار نیز نمی‌رود که واژه دارایی نامشهود یا دانش معنی یکسانی را در ذهن کاربران متبادر سازد. به همین جهت، دانستن این مهم که درک کاربران از واژه دارایی نامشهود یا دانش چیست با اهمیت می‌باشد؛ چرا که تعاریف کاربر محور می‌تواند تعاریف (تئوریک) ارائه شده قبلی را بهبود بخشد. به همین منظور اولین پیش فرض انجام مصاحبه بدین شرح بیان می‌شود:

گزاره ۱: کاربران درک متفاوتی از اصطلاح دارایی نامشهود دارند.

### اهداف گزارشگری مالی برون سازمانی

بر اساس چارچوب نظری هیات استانداردهای حسابداری بین المللی (IASB<sup>۷</sup>)، هدف کلی گزارشگری مالی فراهم کردن اطلاعات مالی در خصوص واحد گزارشگر است، تا بتواند برای استفاده کنندگان خارجی از قبیل سرمایه‌گذاران بالقوه، تامین‌کنندگان و غیره اطلاعات مفید را فراهم آورد.

از دیدگاه استانداردگذاران، سرمایه‌گذاران، وام‌دهنده‌گان و سایر ذینفعان میزان بازدهی یک شرکت بستگی به ارزیابی آنها از مبلغ، زمانبندی و عدم اطمینان جریان‌های نقدی ورودی آتی دارد. بنابراین، آنها به اطلاعاتی نیاز دارند که آنها را در ارزیابی چشم‌انداز آتی جریان‌های نقد ورودی کمک کند [۴۴]. این می‌تواند شامل اطلاعات راجع به منابع و تعهدات شرکت و میزان اثربخشی و کارایی در استفاده از منابع شرکت توسط مدیران شرکت و هیات مدیره باشد. IASB، هدف کلی گزارشگری مالی را ارزیابی واحد تجاری بیان نمی‌کند، اما باید اطلاعاتی فراهم شود تا استفاده‌کنندگان را در برآورد ارزش شرکت یاری رساند. IASB، به وضوح بیان می‌کند که هدف کلی گزارشگری مالی این نیست؛ و نمی‌تواند کلیه اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان مختلف را برآورده سازد. با توجه به اینکه نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان متفاوت و گاهی متضاد می‌باشد، IASB در تلاش است تا مجموعه اطلاعاتی فراهم شود که نیازهای اغلب استفاده‌کنندگان را برآورده سازد. به همین منظور، IASB در تلاش است تا اطلاعاتی فراهم شود که نیازهای اطلاعاتی مشترک اغلب استفاده‌کنندگان را پوشش دهد؛ همچنین به واحد گزارشگر اجازه می‌دهد تا در گزارش‌های مالی اطلاعات اضافی را که برای کاربران اصلی این گزارش‌ها مفید می‌باشند را نیز ارائه نمایند. در حالی که این پژوهش نیز در راستای این هدف، یعنی ارائه اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری کاربران حرکت می‌کند، هدف قوانین حسابداری مالی ممکن است متفاوت باشد.

فرض بر این است که مفید بودن برای تصمیم‌گیری از دیدگاه IASB مهم می‌باشد، با این وجود، IASB تحلیلی از اصطلاح "مفید بودن برای تصمیم‌گیری" ارائه نمی‌کند. در عوض آن را از طریق دو اصطلاح دیگر یعنی، مربوط بودن و قابل اتکا بودن بیان می‌کند. بر اساس لافلین و پاکستی<sup>۸</sup> (۱۹۸۳)، مکاتب بزرگ فکری مرتبط با ادبیات "مفید بودن در تصمیم‌گیری"، می‌تواند به طبقه، گرایش‌های یک کاربر ضعیف و گرایش‌های یک کاربر قوی تقسیم شود. طبقه قوی تاکید بر مربوط بودن و طبقه ضعیف تاکید بر قابلیت اتکا دارد. طبقه ضعیف حداقل از چهار زیرشاخه اصلی تشکیل شده است: درآمد، رویدادها، توانایی پیش‌بینی و رفاه یا اقتصاد اطلاعات. طبقه قوی نیز از دو زیرشاخه اصلی تشکیل می‌شود: مدل تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیرندگان. آن همچنین به اطلاعاتی اشاره دارد که تصمیم‌گیرندگان تعیین می‌کنند

## ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

که آنها می‌خواهند داشته باشند، و آنچه تصمیم‌گیرندگان در واقع احتیاج دارند. تحقیقات مربوط به تصمیم‌گیرندگان نیز می‌تواند به دو نوع تحقیقات مربوط به نیازهای افراد و تحقیقات مربوط به نیازهای بازار تقسیم شود. این مکتب فکری اشاره به پردازش اطلاعات بشری دارد. پرواضح است که از واژه مفید بودن برای تصمیم‌گیری مفاهیم متعددی برداشت می‌شود. هر یک از مکاتب واژه مفید بودن برای تصمیم‌گیری را از یک زاویه می‌نگرند و بنابراین احتمالاً درک متفاوتی از سودمندی تصمیم نخواهند داشت. در حالی که IASB فرض می‌کند آن شفاف است، اما واقعیت آن طور بنظر نمی‌رسد. با وجود تحلیل‌های انتقادی نسبت به معیار سودمندی در تصمیم و پیشنهاد برای یک رویکرد حسابداری خارجی جایگزین که کنترل سازمانی نامیده می‌شود، معیار سودمندی در تصمیم همچنان پا برجاست و یک اصل اساسی در چارچوب IASB محسوب می‌شود [۵۶].

مهم است که تاکید شود گستره وسیعی از گزارش‌های مالی بر مبنای برآورد، قضاوت و مدل‌هاست تا بر مبنای صرف واقعیت. اگرچه IASB پذیرفت که چنین دیدگاهی برای چارچوب مفهومی گزارشگری مالی ایده آل، بعید است که بطور کامل حاصل شود، یا حداقل در کوتاه مدت به دلیل اینکه برای درک، پذیرش و اجرا روش‌های جدید تحلیل معاملات و دیگر رویدادها نیازمند زمان است، دست یافتنی نمی‌باشد. به نظر می‌رسد تلاش برای این دیدگاه و هدف در راستای بهبود مفید بودن گزارشگری مالی ضروری است. بسیاری از نگارندگان ادبیات مربوط استدلال می‌کنند که با توجه به دارایی‌های نامشهود، صورت‌های مالی دیگر مفید نیستند و اطلاعات مفیدی برای تصمیم‌گیرندگان فراهم نمی‌آورند [۶۷]. چند تن از افراد مذکور مستقیماً به شرکت‌های دانش محور اشاره می‌کنند که هدف آنها ارائه خدمات یا انجام تحقیقات می‌باشد. با این حال، اکثر مطالعات تجربی که به اصطلاح مطالعات ارزشی یا مطالعات مربوط به ارزش نامیده می‌شوند، مربوط بودن برخی اطلاعات در صورت‌های مالی را با استفاده از پراکسی‌هایی برای ویژگی‌های مورد بررسی توضیح می‌دهند. این مطالعات عمدتاً به تئوری‌های مثبت حسابداری مربوط می‌شوند. هدف آنها بهبود مفید بودن عناصر صورت‌های مالی با استفاده از پراکسی‌های مختلف بویژه اطلاعات بازار است تا بتوانند دیدگاه کاربران صورت‌های مالی را نشان دهند. متأسفانه آنها به ریشه مشکل رجوع نمی‌کنند برای مثال مستقیماً به کاربران صورت‌های مالی برای آگاهی از بینش آنها رجوع نمی‌کنند. بنابراین تحقیقات مربوط به ارزش، موضوعی در مظان انتقاد باقی ماند زیرا، لزوماً نظرات کاربران صورت‌های مالی را منعکس نمی‌کنند بلکه موارد مخالف دیگر از قبیل اثرات روانی عمومی در بازارهای مالی را اندازه‌گیری می‌کنند [۹۱]. در نتیجه، برای درک واضح "مفید بودن صورت‌های مالی برای کاربران خود"، باید با کاوش مستقیم سودمندی با خود کاربران به جای استفاده از پراکسی برای

آنها، بر اشکالات مطالعات مربوط به ارزش غلبه کرد. بنابراین برای دانستن درک کاربران صورت‌های مالی در این مورد که آیا صورت‌های مالی در حال حاضر اهداف کلی گزارشگری مالی را برآورده می‌سازند یا خیر، باید مستقیماً در بین آنها به کاوش پرداخت. گزاره زیر، برگرفته از ادبیات ذکر شده در بالا، برای روشن شدن این دیدگاه که صورت‌های مالی اهداف اصلی خود را برآورده نمی‌کنند مطرح می‌شود:

#### **گزاره ۲: صورت‌های مالی تاکنون اهداف اصلی گزارشگری مالی را برآورده نساخته‌اند.**

در اینجا سؤالاتی مربوط به این گزاره قابل طرح است تا بدانید چگونه کاربران صورت‌های مالی در حال حاضر از صورت‌های مالی استفاده می‌کنند. این شفاف سازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا به نظر می‌رسد که ادبیات مربوط به ارزش، اهداف دیگری را برای صورت‌های مالی فراتر از آنچه که توسط استانداردها گذاران حسابداری مالی و محققان حسابداری هنجاری مشخص شده است، متصور است. برای مثال IASB (۲۰۱۰)، بیان می‌کند که هدف کلی گزارشگری مالی تعیین ارزش واحد گزارشگر نیست، اما باید اطلاعاتی فراهم شود تا به کاربران کمک کند خودشان ارزش واحد گزارشگر را برآورد کنند. این در حالی است که مطالعات مربوط به ارزش فرض می‌کند که صورت‌های مالی باید بصورت مستدل و منطقی ارزش شرکت را منعکس کند. بنابراین، انطباق ادعای آنها در این ارتباط به سختی قابل انطباق با چارچوب مفهومی حسابداری فعلی است. این تفاوت دیدگاه‌ها عمیقاً ریشه‌دار شده و در بحث‌های بین محققان حسابداری هنجاری و مثبت، منعکس شده است [۵۸، ۸۱، ۸۳].

مطابق با مبانی نظری گزارشگری مالی استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای اینکه اطلاعات مالی مفید باشد، باید مربوط باشد و آنچه را که ادعا می‌کند بیانگر آن است، بطور صادقانه بیان کند. در صورتی که اطلاعات مالی، قابل مقایسه، قابل رسیدگی، به موقع و قابل فهم باشد، مفید بودن آن افزایش می‌یابد. اطلاعات مالی مربوط، توانایی ایجاد تغییر در تصمیمات استفاده‌کنندگان را دارد. حتی اگر برخی استفاده‌کنندگان، از این اطلاعات استفاده نکنند یا از طریق سایر منابع از آن آگاه شده باشند، اطلاعات ممکن است توانایی ایجاد تغییر در تصمیم را داشته باشد. در صورتی که اطلاعات مالی ارزش پیش‌بینی‌کنندگی، ارزش تأییدکنندگی یا هر دو را داشته باشد، توانایی ایجاد تغییر در تصمیمات را خواهد داشت. گزارش‌های مالی، پدیده‌های اقتصادی را در قالب کلمات و اعداد نشان می‌دهند. اطلاعات مالی برای اینکه مفید باشند نه تنها باید نشان دهنده پدیده‌های مربوط باشند، بلکه باید پدیده‌هایی را که ادعا می‌کند بیانگر آن است، صادقانه بیان نماید. برای برخورداری از یک بیان صادقانه بدون نقص، هر گزارش باید دارای سه ویژگی کامل بودن، بیطرفی و عاری از اشتباه باشد. البته بدون نقص بودن بیان صادقانه،



### ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

اگر وجود داشته باشد، به ندرت قابل دستیابی است. هدف هیئت به حداکثر رساندن ویژگی‌های مزبور تا حد امکان است.

علاوه بر این گزاره که صورت‌های مالی فعلی اهداف اصلی گزارشگری مالی را برآورده نمی‌سازد، هیات استانداردهای حسابداری استرالیا<sup>۹</sup> دریافت که قابلیت اتکای اندازه‌گیری تابعی از ماهیت و ذات دارایی‌های نامشهود، و در دسترس بودن اطلاعات مربوط به هر دارایی نامشهود است [۱۹]. بر مبنای این دیدگاه "بهبود خصوصیات کیفی" برای اطلاعات مالی که توسط هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی ایجاد شده، یک "ویژگی کیفی اساسی‌تر" یا یک "ویژگی کیفی فرعی اساسی‌تر" در تعیین مفید بودن اطلاعات مربوط به دارایی‌های نامشهود است.

برای پی بردن به دیدگاه واقعی کاربران در ارتباط با ویژگی‌های کیفی گزارشگری در زمینه افشای دارایی‌های نامشهود (دانش) و تایید اینکه آیا دیدگاه آنها ادعاهای موجود در ادبیات را تایید یا رد می‌کند، لازم است بررسی شود که قابلیت اتکا یا مربوط بودن و بطور کلی مفید بودن محتوای صورت‌های مالی فعلی چگونه توسط آنها معنا می‌شود. در ادبیات موجود اینکه درک کاربران از قابلیت اتکا بویژه در ارتباط با افشای دارایی‌های نامشهود به چه صورت است مبهم می‌باشد. انجام بررسی مذکور بینشی نسبت به تفاوت بالقوه بین تعریف فعلی ارائه شده از هیات استانداردهای حسابداری و درک کاربرانی که از صورت‌های مالی فعلی استفاده می‌کنند را روشن می‌سازد. بنابراین گزاره سوم عبارت است از:

**گزاره ۳: کاربران درک متفاوتی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات صورت‌های مالی دارند.**

**گزارشگری دارایی‌های نامشهود تحت رویکرد فعلی استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS<sup>۱۰</sup>)**

هدف این استاندارد، تجویز نحوه حسابداری دارایی‌های نامشهود است که بطور مشخص در استاندارد دیگری مطرح نشده است. این استاندارد، واحد تجاری را ملزم می‌کند تنها در صورتی دارایی نامشهود را شناسایی کند که معیارهای تعیین شده احراز گردد. همچنین، این استاندارد نحوه اندازه‌گیری مبلغ دفتری دارایی‌های نامشهود را تعیین و موارد افشای معینی را درباره دارایی‌های نامشهود الزامی می‌کند. طبق این استاندارد دارایی نامشهود دارایی قابل تشخیص غیر پولی فاقد ماهیت عینی است. واحدهای تجاری، اغلب برای تحصیل، توسعه، نگهداری یا بهبود منابع نامشهود مانند دانش علمی یا فنی، طراحی و اجرای فرآیندها یا سیستم‌های جدید، حق امتیازها، دارایی فکری، دانش بازار و علائم تجاری (شامل نام تجاری و حق انتشار)، منابع را مصرف می‌کنند یا متحمل بدهی می‌شوند. مثال‌های رایج از اقلام این

## فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار / شماره چهل و دوم / بهار ۱۳۹۹

سرفصل‌های کلی، شامل نرم افزار رایانه‌ای، حق اختراع، حق تکثیر، فیلم‌های پویانمایی، فهرست مشتریان، حقوق خدمات رهنی، مجوز ماهیگیری، سهمیه‌های واردات، فرانشیز، روابط با مشتری یا عرضه‌کننده، وفاداری مشتری، سهم از بازار و حقوق بازاریابی است.

برخی اقلام بیان شده در فوق، تعریف دارایی نامشهود، یعنی قابل تشخیص بودن، کنترل بر منابع و وجود منافع اقتصادی آتی، را احراز نمی‌کنند. اگر قلمی که در دامنه کاربرد این استاندارد است، تعریف دارایی نامشهود را احراز نکند، مخارج تحصیل آن یا ساخت آن در داخل، به محض وقوع، به عنوان هزینه شناسایی می‌شود. اما اگر قلمی در ترکیب تجاری تحصیل شود، بخشی از سرفصلی شناسایی شده در تاریخ تحصیل را تشکیل می‌دهد. دارایی در صورتی قابل تشخیص است که یکی از موارد زیر احراز شود:

الف. دارایی قابل تفکیک باشد، یعنی قابلیت جدا بودن یا جدا شدن از واحد تجاری به منظور فروش، انتقال، اعطای مجوز، اجاره یا معاوضه با دارایی یا بدهی قابل تشخیص را، چه به صورت جداگانه یا همراه با قرارداد، داشته باشد، صرفنظر از اینکه واحد تجاری قصد انجام این کار را داشته باشد.

ب. دارایی از حقوق قراردادی یا سایر حقوق قانونی ناشی شود، صرف نظر از اینکه حقوق مزبور، قابل انتقال یا قابل تفکیک از واحد تجاری یا سایر حقوق و تعهدات باشد.

### **مسائل مربوط به افشای دارایی‌های نامشهود تحت رویکرد کنونی IFRS**

در بخش‌های قبل مبحث دارایی‌های نامشهود طبق رویکرد IFRS، به ویژه مباحث مربوط به اهداف صورت‌های مالی، معیارهای کیفی و گزارشگری مالی فعلی دارایی‌های نامشهود مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این ارتباط مسائل خاصی مطرح می‌شود که باید مد نظر قرار گیرد:

- آیا کاربران واقعا انتظار دارند که افشای اطلاعات مربوط به دارایی‌های نامشهود در گزارشگری مالی برون سازمانی در انطباق با معیارهای کیفی فعلی چارچوب حسابداری IFRS باشد؟

- آیا کاربران در حال حاضر نوع خاصی از اطلاعات (به ویژه در ارتباط با دارایی‌های نامشهود) را در گزارشگری مالی فعلی جهت پوشش نیازهای اطلاعاتی خود دریافت می‌کنند؟

مورد دوم می‌تواند نشان دهد که اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری برای طبقه‌ای گسترده از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، در صورت‌های مالی کنونی وجود دارد یا خیر، که برای تحقق اهداف گزارشگری مالی لازم است. کاربران گزارش‌های مالی ترجیح می‌دهند این اطلاعات مفقوده را در چارچوب گزارشگری فعلی دریافت کنند. ممکن است دیدگاه کاربران با دیدگاه استانداردارگذاران در مورد اهمیت و مربوط بودن معیارهای کیفی مختلف و مقررات خاص حسابداری دارایی‌های نامشهود یکسان نباشد.

### ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکی، محمدی نوده و خردیار

چندین پژوهشگر استدلال کرده‌اند که اطلاعات مربوط به دارایی‌های نامشهود به نوعی در فرآیند تصمیم‌گیری کاربران در نظر گرفته می‌شود، اگرچه این اطلاعات از صورت‌های مالی مشتق نمی‌شوند [۳۹، ۴۱، ۷۱، ۸۲]. شرکت‌ها اطلاعات مربوط به دارایی‌های نامشهود را برای تصمیم‌گیری کاربران بویژه سرمایه‌گذاران مهم ارزیابی می‌کنند. با استفاده از گزاره زیر می‌توان تایید کرد که آیا این فرض از ادبیات که اطلاعات مربوط به دارایی‌های نامشهود توسط استفاده کنندگان مورد استفاده قرار می‌گیرد تایید می‌شود یا خیر:

**گزاره ۴: کاربران ارزش دارایی‌های نامشهود را با استفاده از اطلاعات خارج از صورت‌های مالی و روش‌های مختلف بدست می‌آورند.**

علاوه بر این، در ادبیات این سوال نیز مطرح می‌شود که آیا چارچوب فعلی حسابداری مالی برای شرکت‌هایی که ارزش آنها بطور فزاینده‌ای مشتق شده از دارایی‌های نامحسوس و ناملموس است؛ و ویژگی‌های متفاوتی نسبت به دارایی‌های مشهود دارند، کافی است [۸۱، ۸۳]. در ادبیات کنونی شواهدی یافت نمی‌شود که نویسندگانی چارچوب فعلی حسابداری مالی را منسوخ شده بیان نمایند؛ تنها برخی از آنها که حامی این دیدگاه هستند که استانداردهای حسابداری فعلی برای گزارشگری دارایی‌های نامشهود کافی نمی‌باشند، انجام برخی تغییرات را خواستار شده‌اند.

در ادبیات مذکور، پیشنهادی در این ارتباط که قوانین جدید حسابداری برای دارایی‌های نامشهود، باید ثابت مانده و همسو با چارچوب فعلی حرکت نماید یا اینکه اگر استاندارد جدیدی برای دارایی‌های نامشهود معرفی و پیشنهاد شد، چارچوب فعلی باید اصلاح شود یا خیر وجود ندارد. علاوه بر این، همانگونه که بارگمن و روز<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۷) بیان داشتند معیار برای محتوای اطلاعات، یعنی "چگونه" برای افشا و گزارشگری دارایی‌های نامشهود، امروزه نیز بطور عمده در تحقیقات مربوطه نادیده گرفته شده است. بدین منظور گزاره زیر برای تایید اعتبار این ادعا مطرح می‌شد:

**گزاره ۵: کاربران به اطلاعاتی از دارایی‌های نامشهود در صورت‌های مالی که مطابق با چارچوب عمومی فعلی حسابداری تهیه شده است نیاز ندارند.**

بخش بعدی رویکردهای جایگزین برای افشای دارایی‌های نامشهود که در ادبیات پیشنهاد شده است را ارائه می‌دهد. بیشتر این رویکردها، به عنوان رویکردی خارج از چارچوب‌های فعلی پیشنهاد شده‌اند. با این حال برخی صاحب‌نظران همچنان معتقدند که بیشتر دارایی‌های نامشهود تحت چارچوب فعلی گزارشگری مالی شناسایی شوند تا تصمیم‌گیری بر اساس صورت‌های مالی دوباره مفید واقع شود.

### افشای دارایی‌های نامشهود خارج از چارچوب فعلی گزارشگری مالی

چارچوب‌های افشای دارایی‌های نامشهود به غیر از چارچوب قانونی حسابداری مالی ممکن است انواع مختلفی اشکال و رویکردها، از قبیل گزارشگری چند ستونی [۶۰] یا گزارشگری مرکب [۴۵، ۶۸] یا گزارشگری تحت وب (مبتنی بر اینترنت) را شامل شود.

گزارشگری چندستونی اشاره به ارائه دو یا چند ارزش برای دارایی‌ها و بدهی‌ها، یا ارائه چند رقم سود در صورت‌های مالی دارد که بر اساس چارچوب‌های مفهومی متفاوت و برای گروه‌های مختلف استفاده‌کننده [۶۱] تهیه شده است. این رویکرد به چارچوب فعلی گزارشگری مالی نزدیک‌تر است یا به عبارتی نمونه‌ای توسعه یافته از آن می‌باشد. ممکن است این دیدگاه جذاب به نظر رسد و گروه‌های وسیعتری از استفاده‌کنندگان را در بر گیرد اما با این حال می‌تواند منجر به گیج شدن و گمراهی استفاده‌کنندگان نیز گردد. به عبارتی استفاده‌کنندگان تنها ارقامی را که مختص آن گروه تهیه شده را مطالعه نمی‌کنند بلکه به دیگر ارقام نیز توجه می‌کنند و ممکن است اهداف متفاوتی که پشت این ارقام قرار دارد را بدرستی درک نکنند. گزارشگری ترکیبی یک چارچوب مبتنی بر اصول برای توضیح به تامین‌کنندگان سرمایه است که چطور یک سازمان در طی زمان ارزش می‌آفریند. گزارشگری ترکیبی تنها محدود به ارقام نامشهود نمی‌شود [۴۵]. این رویکرد در خصوص جزئیات چگونگی ادغام اطلاعات مربوط به دارایی‌های نامشهود تجویزی ارائه نمی‌دهد اما چارچوبی کلی را ارائه می‌دهد که به وسیله‌ی آن می‌توان ارتباط بین عناصر ایجادکننده ارزش از قبیل دارایی‌های مالی و فیزیکی را در آن ارائه داد. راه دیگر جهت افشا و انتشار اطلاعات مربوط به دارایی‌های نامشهود از طریق اینترنت است. افشای اطلاعات مالی مبتنی بر اینترنت عموماً بر اساس فرمت ارائه و محتوای افشا طبقه‌بندی می‌شود [۳۴]. این روش سرعت ارائه اطلاعات را افزایش و هزینه انتشار اطلاعات را کاهش می‌دهد [۸۰]. با این حال اگر درست مدیریت نشود ممکن است منجر به اضافه بار اطلاعات شود. افشای اطلاعات مبتنی بر اینترنت با توجه به انعطاف‌پذیری آن، همچنین می‌تواند به کاربران بطور خاص در استفاده از لینک‌ها کمک کرده [۵۱] و با ارائه ساختاری متمایز و مربوط، کنترل کاربران بر جست‌وجو و کسب اطلاعات را افزایش داده و منجر به کاهش تلاش‌های اضافی و در نهایت بهبود کارایی تصمیم‌گیری شود [۱۸]. افشای مبتنی بر اینترنت همچنین با راهنمایی استفاده‌کنندگان به اطلاعات مربوط می‌تواند این امکان را فراهم کند تا اطلاعات متمایز برای اهداف متفاوت بدون اینکه منجر به سردرگم شدن کاربران شود، افشا شود.

در ادبیات موجود علاوه بر روش‌های فوق رویکردهای دیگری نیز برای افشای اطلاعات پیشنهاد شده است که بطور ویژه جهت گزارشگری دارایی‌های نامشهود طراحی شده‌اند و به منظور غلبه بر ضعف‌ها و

## ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

نقص‌های رویکردهای فعلی انتشار صورت‌های مالی، توسعه یافته‌اند. رویکردهای مذکور در انواع مختلفی وجود دارند چرا که فاقد یک چارچوب مفهومی عام می‌باشند. هر یک از آنها در ارزیابی، اندازه‌گیری، مدیریت و گزارشگری دارایی‌های نامشهود با یکدیگر تفاوت‌های زیادی دارند و اکثراً هم به عنوان رویکرد گزارشگری سرمایه فکری یا دارایی نامشهود شناخته می‌شوند. اسویبی<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۹) ۳۴ متد را به منظور اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود شناسایی نمود، کافمن و همکاران (۲۰۰۴) ۳۶ نشریه در ارتباط با این موضوع داشتند (اگرچه همه‌ی آنها شامل متدهای جدید نبودند) و اندریسن<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۴) هم ۲۵ روش را به منظور اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود ارائه داد. علاوه بر این دیومی و گارانی<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۳) نشان دادند که بیش از ۵۰ رویکرد مرتبط با دارایی‌های نامشهود به منظور اندازه‌گیری آنها وجود دارد.

بطور کلی، این رویکردها می‌تواند به طرق مختلف، از جمله بر مبنای کاربران آنها، اهداف آنها، و یا اطلاعات زیربنای آنها طبقه‌بندی شوند [۵۰]. برخی از این رویکردها به چهار طبقه‌ای که توسط لوشی<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۸)، ویلیام<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۱) و اسویبی (۲۰۰۴) به شرح ذیل ارائه شده، تقسیم می‌شوند:

روش سرمایه‌ای کردن بازار<sup>۱۷</sup> (MC): در این روش ارزش دارایی‌های نامشهود از مابه‌التفاوت ارزش بازار و ارزش دفتری سرمایه بکار گرفته شده حاصل می‌شود. گاهی این تفاوت به اجزای آن تفکیک می‌شود. نمونه‌هایی از پژوهش‌ها که این روش را بکار گرفته‌اند عبارت است از: رادو و همکاران<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۲)، هوگندورن<sup>۱۹</sup> (۱۹۹۹) و میلز<sup>۲۰</sup> (۲۰۰۲).

تمام رویکردهای MC تمایل به عملگرایی دارند. آنها بصورت تجربی اعتباردهی نشده‌اند؛ تنها عناصر و محرک‌های کلی ایجاد کننده این تفاوت شناسایی و توضیح داده شده‌اند؛ و عناصر خاص آن شناسایی نشده‌اند. اما این سوال مطرح می‌شود که تا چه حد عناصر خاص دارایی‌های نامشهود که بخشی از ارزش کل شرکت را تشکیل می‌دهند، مبهم می‌باشند؟ به عبارتی از کل تفاوت موجود چه میزان آن مربوط به دارایی‌های نامشهود است؟

رویکرد بازده دارایی‌ها<sup>۲۱</sup> (ROA): رویکرد ROA مبتنی بر ارقام حسابداری است و می‌تواند به آنها ارجاع داده شود. هدف این روش برآورد میانگین بازده دارایی‌های نامشهود به عنوان عاملی برای شناسایی ارزش دارایی‌های نامشهود شرکت است. تقسیم میانگین سود قبل از مالیات شرکت برای یک دوره، بر میانگین دارایی‌های مشهود به عنوان نقطه شروعی برای این روش می‌باشد. نتایج حاصله با نرخ میانگین صنعت (به عنوان یک معیار کلی) مقایسه می‌شود. تفاوت محاسبه شده به عنوان ارزش دارایی‌های نامشهود در نظر گرفته می‌شود. برخی تحقیقاتی که این رویکرد را بکار گرفته‌اند عبارتند از: رادو و همکاران (۲۰۰۲) برای ارزیابی سرمایه فکری، جانسون (۱۹۹۹) برای ارزش افزوده اقتصادی ارزیابی

## فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار / شماره چهل و دوم / بهار ۱۳۹۹

سرمایه فکری، و جانسون (۱۹۹۹) برای ارزش افزوده بازار. اگرچه می‌توان با این رویکرد ارزش پولی دارایی‌های نامشهود را تعیین کرد اما، این رویکرد بینشی را برای تعیین ارزش جداگانه دارایی‌های نامشهود ارائه نمی‌دهد. به دلیل اینکه رویکرد کلی این روش اینگونه است که ارزش دارایی‌های نامشهود منفرد را بوضوح شناسایی نمی‌کند، نمی‌توان اطمینان حاصل کرد که تنها دارایی‌های مربوط مد نظر قرار گرفته‌اند.

روش‌های کارت ارزیابی<sup>۲۲</sup> (SC): در این روش عناصر مختلف دارایی‌های نامشهود شناسایی شده، معیارها و شاخص‌ها ایجاد شده و در SC، یا بطور نموداری گزارش می‌شود. روش SC شبیه به روش سرمایه فکری مستقیم<sup>۲۳</sup> (DIC) است با این تفاوت که ارزش پولی‌ای را برای دارایی‌های نامشهود برآورد نکرده و ارتباطی با ارزش‌های پولی برقرار نمی‌کند. روش SC در مقایسه با DIC سعی می‌کند جامع‌تر، صحیح‌تر و کامل‌تر باشد. این رویکرد همچنین در یک محدوده خاص، تعامل بین دارایی‌های نامشهود مختلف را در نظر می‌گیرد.

اکثر روش‌های اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود در این طبقه (SC) قرار دارند؛ برای مثال کارت ارزیابی متوازن [۴۸، ۴۹] نظارت دارایی‌های نامشهود [۸۸]، رویکرد سرمایه‌ی فکری (سولیوان، ۲۰۰۰)، ترازنامه نامشهود [۵۳]، شاخص سرمایه‌ی فکری [۷۸] و رویکرد ارزش پویای سرمایه‌ی فکری [۲۱].

مزیت روش‌های مبتنی بر SC این است که شناسایی همه‌ی دارایی‌های نامشهود و گاهی حتی چگونگی ارتباط آنها را با یکدیگر الزام می‌کند. اما، این رویکرد ارزش پولی برای دارایی‌های نامشهود را بطور جداگانه ارائه نمی‌کند. اندازه‌های حاصل از این معیار معمولاً برای هر شرکت منحصر به فرد هستند بنابراین، این معیار برای تحلیل مقایسه‌ای بین شرکت‌های مختلف نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، بدلیل ماهیت ذهنی این روش، مقایسه‌ی اندازه‌های بدست آمده در یک شرکت طی زمان نیز مشکل می‌باشد.

روش سرمایه فکری مستقیم (DIC): اقلام مختلف دارایی‌های نامشهود یک شرکت شناسایی نمی‌شود مگر، ارزش پولی به آن تخصیص یابد. شناسایی اولیه دارایی‌های نامشهود مربوط در روش‌های DIC مشابه روش‌های SC است اما بر خلاف روش SC، این روش ارزش پولی برای هر قلم از دارایی‌های نامشهود را بر مبنای متدولوژی‌های ارزیابی عمومی که بطور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد، برآورد می‌نماید. این متدولوژی‌ها در سه طبقه عمده قرار می‌گیرند که عبارتند از: رویکرد ارزیابی نسبی، رویکرد ارزیابی جریان نقد تنزیل شده (DCF) و رویکرد ارزیابی ادعاهای محتمل الوقوع. در مقابل، در بسیاری از روش‌های SC تعامل بین آیتم‌های مختلف دارایی‌های نامشهود بصورت صریح در نظر گرفته نمی‌شود.

## ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

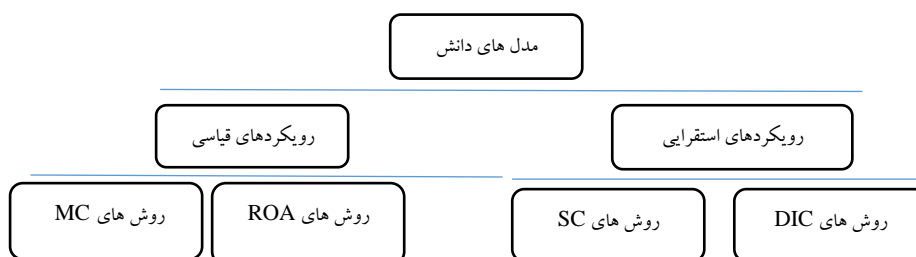
روش‌های DIC به اصول حسابداری فعلی همچون IFRS نزدیک است. برخی از رویکردها برای شناسایی برخی دارایی‌های نامشهود خاص در صورت‌های مالی منتشر شده بکار گرفته شده‌اند. مثال‌هایی که از این روش استفاده کرده‌اند عبارتند از: ارزیابی دارایی‌های نامشهود [۷۴، ۷۵]، رویکرد سرمایه‌ی فکری برای ارزیابی [۸۷]، صورت سرمایه‌گذاری‌های آتی [۷۶] و حسابداری و بهیابیی منابع انسانی [۳۶]. رویکرد فعلی استانداردهای حسابداری مالی (IFRS) در این گروه طبقه‌بندی می‌شود اگرچه، شاخصی در ارتباط با روش ارزیابی ارائه نمی‌کند.

روش‌های DIC دارایی‌های نامشهود را بصورت جداگانه اندازه‌گیری می‌کند، اگرچه آن اغلب بوضوح مشخص نیست و نشان نمی‌دهد که دارایی نامشهود چطور شناسایی و از یکدیگر متمایز شده‌اند. این یک مشکل همپوشانی جدی بین دارایی‌های نامشهود شناسایی شده و دارایی‌های نامشهود که ارتباط درونی با یکدیگر دارند ایجاد می‌کند. گاهی این مشکل با الزام به شناسایی تنها دارایی‌های نامشهود که قابلیت اتکا دارند، کاهش می‌یابد. علاوه بر این، تنوع رویکردهای مختلف اندازه‌گیری در روش DIC، ادعا می‌شود که متدولوژی‌های ارزیابی آن در مقایسه با دیگر روش‌ها بهترند، که این دوباره منجر به این موضوع می‌شود که قابلیت مقایسه آن برای شرکت‌های مختلف و برای یک شرکت در طی زمان از دست می‌رود. بطور گسترده پذیرفته شده است که برای ارزیابی سرمایه‌گذاری در روش DIC، اندازه‌گیری عملکرد و ارزیابی کاملی وجود ندارد. مناسبترین ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد باید بر مبنای تعاریف از پیش تعیین شده و اهداف مشخص تدوین شود [۲۸، ۴۹]. رویکرد اندازه‌گیری‌ای که توسط شرکت برای دارایی‌های نامشهود انتخاب می‌شود به سختی تصمیم‌گیرندگان را متقاعد می‌سازد چرا که قابلیت اتکا و مقایسه پذیری این اندازه‌گیری‌ها مورد درخواست است. قابلیت مقایسه مشکل یا حتی غیرممکن می‌شود اگر تعاریف و معنای متفاوتی برای دارایی‌های نامشهود وجود داشته باشد؛ یا حتی اگر معانی هم یکسان باشد، وجود روش‌های مختلف اندازه‌گیری مانع مقایسه می‌شود. کاپلان و همکاران (۲۰۰۰) یک چارچوب جامع اندازه‌گیری دانش مبتنی بر چندین روش سرمایه فکری مستقیم (DIC) منفرد و حتی روش‌های SC را نشان دادند که برای غلبه بر ضعف اندازه‌گیری‌های عملکرد منفرد، اندازه‌گیری‌های اقتصادی مختلف را به توصیف جنبه‌های مختلف عملکرد ارتباط می‌دهد. تفاوت بین مدل‌های DIC و SC تحت این چارچوب کم رنگ می‌شود.

برخی نویسندگان دارایی‌های نامشهود را تنها بر مبنای پولی و غیرپولی طبقه بندی کردند [۸۹] و برخی دیگر همچون نورف (۱۹۹۸) بر مبنای قیاس<sup>۲۴</sup> و استقرا<sup>۲۵</sup> رویکردهای قیاسی بر روی تفاوت بین

## فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار / شماره چهل و دوم / بهار ۱۳۹۹

ارزش بازار و دفتری شرکت متمرکز می‌باشند؛ در حالی که، روش‌های استقرایی عناصر جداگانه دارایی‌های نامشهود را اندازه‌گیری و توصیف می‌کنند. اگر این دو رویکرد ادغام شود، طبقه‌بندی زیر حاصل می‌شود:



قریباً همه‌ی مدل‌های افشای مربوط به دارایی‌های نامشهود بیان شده در ادبیات موضوع، توسط نویسندگان آن مربوط‌ترین روش بیان شده است. در حالی که هیچ‌یک، از مقبولیت گسترده برخوردار نبوده، زیرا اکثر آنها بیش از حد ذهنی و کیفی می‌باشند، اعتبار تجربی بالایی ندارند، به دلایل مختلف فاقد روایی می‌باشند، بیش از حد کلی می‌باشند و بیشتر از لحاظ عملی توسعه یافته‌اند تا آکادمیک و علمی (از لحاظ تئوری ضعیف می‌باشند) [۱۷، ۳۰، ۵۰]. هیچ‌یک از این مدل‌ها، به عنوان یک مدل مناسب برای صورت‌های مالی حسابرسی شده تشخیص داده نشده است [۷۹، ۳۴]. اکثر صاحب‌نظران معتقدند مدل‌های موجود برای ارزیابی و گزارشگری دارایی‌های نامشهود باید بطور چشمگیری بهبود یابد. بر این اساس گزاره زیر برای تایید یا رد این ادعا از دیدگاه کاربران بیان می‌گردد:

**گزاره ۶: مدل‌های فعلی ارزیابی و گزارشگری موجود در ادبیات موضوع از دیدگاه کاربران (مصاحبه شونده‌گان) مربوط نمی‌باشند.**

جدول زیر مدل‌های موجود در ادبیات موضوع را بطور خلاصه بیان می‌کند:

نوع طبقه				توصیف مدل	ردیف
SC	ROA	MC	DIC		
بله-تاحدودی	خیر	بله بطور غیر مستقیم	بله- تاحدودی	توصیف کردن و کمی نمودن شهرت و اعتبار شرکت	۱
بله-تاحدودی	خیر	خیر	بله	توضیحات و ارقام مربوط به قراردادهای (مقررات قانونی اجرای قراردادها)	۲
بله-تاحدودی	خیر	خیر	بله	توضیحات و ارقام مربوط به دارایی‌های فکری (علائم تجاری، برندها، حق ثبت اختراع، حق راییت و...)	۳
بله-تاحدودی	خیر	خیر	بله	توضیحات و ارقام مربوط به مشتریان	۴
بله-تاحدودی	خیر	خیر	بله	توضیحات و ارقام مربوط به املاک (حقوق مالکیت، املاک و مستغلات و...)	۵



**ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار**

۶	توضیحات و ارقام مربوط به بازارها(علائم تجاری، برندها، برجسبها، آرمها، چرخه عمر تولیدات، استراتژیهای بازاریابی و...)	بله	خیر	خیر	بله-تاحدودی
۷	توصیف و تشریح داراییهای سازمانی و ساختاری (از قبیل فرهنگ سازمانی، فلسفه مدیریتی، فرآیندهای مدیریتی، سیستمهای اطلاعاتی و شبکه، تحقیق و توسعه، داراییهای فکری و سرمایه های ساختاری، وجود ارزش اقتصادی مازاد، انتظارات از رویدادهای آتی که مستقیما مربوط به عملیات فعلی شرکت نمی شود)	بله	خیر	خیر	بله-تاحدودی
۸	توضیحات و ارقام مربوط به فرآیندها (تولید)	بله	خیر	خیر	بله-تاحدودی
۹	توضیحات و ارقام مربوط به تکنولوژی و پردازش داده (بانک اطلاعاتی الکترونیک، نرم افزار کامپیوتری و...)	بله	خیر	خیر	بله-تاحدودی
۱۰	توضیحات و ارقام مربوط به سرمایههای انسانی (نیروی کار مونتاژ شرکت، قراردادهای کارکنان، میزان دانش مدیریت و کارکنان، تجربه مدیریت و کارکنان و...)	بله	خیر	خیر	بله-تاحدودی
۱۱	زنجیره ارزش شرکت (و داراییهای نامشهود آن (= سرمایهی فکری) و و توصیف اینکه مدیریت چگونه آن را مدیریت می کند.	خیر	خیر	خیر	بله
۱۲	دانش سازمان در ارتباط با سیستمها و فعالیتهای سازمان برای اندازه گیری و ارزیابی داراییهای نامشهود.	خیر	خیر	خیر	بله
۱۳	برنامههای شرکت به منظور دستیابی به اهداف استراتژیک از طریق سرمایهی فکری (برای مثال ارتباط بین اهداف و استراتژیها، داراییهای فکری و بودجه مالی)	خیر	خیر	خیر	بله
۱۴	چگونگی مدیریت سرمایهی فکری توسط شرکت (مثلا از طریق کارت ارزیابی متوازن)	خیر	خیر	خیر	بله
۱۵	نسبتهای مختلف و شاخصهای عملکرد مرتبط با اهداف و استراتژیهای شرکت	خیر	خیر	بله تاحدودی	بله
۱۶	ارزش گذاری داراییهای نامشهود از طریق ضریب فکری ارزش افزوده (VAIC) که کارایی خلق ارزش شرکت را نشان می دهد. ضریب بالاتر VAIC، مدیریت بهتر را نشان می دهد که پتانسیل بالقوه شرکت را بهبود می بخشد. این معیار ضریب خلق ارزش در شرکت را بر اساس ارقام حسابداری اندازه گیری و نظارت می کند.	بله تاحدودی	خیر	بله	خیر
۱۷	ارزش پولی کارکنان بصورت انفرادی و گروهی	بله تاحدودی	بله بطور غیر مستقیم	خیر	بله تا حدودی
۱۸	ارزش گذاری داراییهای نامشهود انسانی با این فرض که کارکنان به عنوان یک دارایی می باشند که یک شرکت باید آن را اجاره کند (شبیبه به اجاره تجهیزات). بنابراین اجاره کننده باید آنها را مشابه اوراق بدهی در ترازنامه سرمایه ای کند	بله تاحدودی	بله بطور غیر مستقیم	خیر	بله تا حدودی
۱۹	ارزش گذاری داراییهای نامشهود از طریق نسبتهای مختلف چون:				
	- نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	خیر	بله	خیر	خیر
	- رویکرد ارزش باقیمانده (برابر است با ارزش بازار شرکت منهای داراییهای مشهود و نامشهود قابل شناسایی)	خیر	بله	خیر	خیر

**فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار / شماره چهل و دوم / بهار ۱۳۹۹**

			خیر	- نسبت بازده دارایی‌های شرکت (= میانگین سود سه یا پنج ساله شرکت تقسیم بر هزینه سرمایه)
			خیر	- رویکرد سرمایه بازار (MCM) که فرض می‌کند مازاد سرمایه گذاری بازار در شرکت نسبت به سرمایه سهامداران، همان سرمایه فکری است.
۲۰	بله	خیر	خیر	ارزش گذاری دارایی‌های نامشهود با تهیه صورتی از سرمایه‌گذاری‌های آتی؛ بطوریکه هزینه‌های صرف شده برای دارایی‌های نامشهود را در یک دوره سه تا پنج ساله مد نظر قرار می‌دهد، تا زمانی که اثبات شود که اینها یا هزینه هستند (که باید در صورت سود و زیان شارژ شوند) یا سرمایه گذاری هستند (که باید در ترازنامه ارائه شوند).
۲۱	بله	خیر	خیر	ارزش گذاری دارایی‌های نامشهود از طریق رویکرد سرمایه فکری مستقیم (DIC): این رویکرد بر اندازه‌گیری ارزش سرمایه فکری از طریق، ابتدا شناسایی عناصر مختلف آن و سپس اندازه‌گیری مستقیم آنها متمرکز است. عناصر مختلف سرمایه فکری مانند وفاداری مشتریان، دارایی‌های فکری (مانند حق اختراع)، دارایی‌های تکنولوژیکی، دارایی‌های انسانی (مثل تربیت و آموزش) و دارایی‌های ساختاری (مانند سیستم‌های اطلاعاتی سازمان) همگی اندازه‌گیری شده و سپس با جمع آنها ارزش کل سرمایه فکری حاصل می‌شود.
۲۲	بله	بله بطور غیر مستقیم	خیر	ارزش گذاری دارایی‌های نامشهود از طریق روش‌های مالی اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود (FIMIAM)

در مدل‌های فوق: "بله"، یعنی مدل به این طبقه مربوط می‌شود؛ "خیر"، یعنی این مدل مربوط به این طبقه نمی‌شود؛ "بله تا حدودی" یعنی این مدل تنها مولفه‌ای از یک مدل کلی‌تر است؛ و "بله بطور غیرمستقیم" یعنی این مدل برای شناسایی و/یا ارزش گذاری عناصر مشتق شده از سایر مدل‌های جامع‌تر استفاده می‌شود.

**روش‌های ارزیابی دارایی‌های نامشهود**

روش‌های ارزیابی باید به مدیران، سرمایه‌گذاران و غیره که درگیر یا تحت تاثیر تصمیمات مربوط به خلق ارزش در شرکت هستند کمک کند. این اندازه‌گیری‌ها برای انواع تصمیمات سرمایه گذاری از جمله دارایی‌های نامشهود استفاده می‌شود. بطور عام پذیرفته شده است که رویکرد اندازه‌گیری کاملی برای ارزیابی سرمایه‌گذاری‌ها وجود ندارد. بنابراین نیاز است تا برای اهداف خاص معیارهای اندازه‌گیری مناسبی تعیین شود [۲۸]. این همچنین می‌تواند دلیلی برای چرایی وجود واژه‌های مختلف برای اهداف مختلف در ارتباط با ارزیابی‌های تجاری باشد [۶۴] برای مثال واژه ارزش منصفانه در استانداردهای قانونی برای معاملات استفاده می‌شود، این در حالی است که در دنیای تجارت واژه ارزش بازار منصفانه بطور گسترده استفاده شده و اینگونه تعریف می‌شود: قیمتی که با معادل نقد بیان می‌شود، بابت اینکه یک دارایی بین خریداری متمایل و آگاه و فروشنده‌ای متمایل و آگاه در یک بازار آزاد و بدون محدودیت بدون هیچ اجبار

### ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

و الزامی مبادله می‌شود. واژه‌های دیگر مرتبط با ارزیابی شامل ارزش سرمایه‌گذاری یا ارزش ذاتی می‌باشد [۶۴]. اگر یک اندازه که بطور کامل عملکرد یک سرمایه‌گذاری را توصیف می‌کند، وجود نداشته باشد، چه معیاری برای سرمایه‌گذاری‌های پیچیده‌تر معتبر است؛ [۴۹] این رویکرد یک چارچوب ارزیابی جامع را نشان می‌دهند که هدف آن غلبه بر ضعف‌های معیارهای اندازه‌گیری عملکرد مختلف و مجزا، از طریق مرتبط کردن اندازه‌گیری‌های اقتصادی مختلف به جنبه‌های مختلف عملکرد می‌باشد. این چارچوب از چهار کلاس اندازه‌گیری تشکیل شده است:

- اندازه‌گیری عملکرد مبتنی بر ارزش بازار سهام (بازده کل سهامداران، ارزش افزوده بازار)
- اندازه‌گیری‌های مبتنی بر رویکرد ارزیابی (رویکرد چندگانه سود، DCF، ارزیابی گزینه واقعی)
- رویکردهای مبتنی بر شاخص‌های مالی (بازده سرمایه سرمایه‌گذاری شده، رشد درآمد یا سود، سود اقتصادی)
- اندازه‌گیری‌های مبتنی بر محرک‌های ارزش (سهام بازار، بهای هر واحد، ارزش پروژه‌های تحقیق و توسعه)

هر یک از کلاس‌های ارزیابی فوق بسته به هدف ارزیابی و سرمایه‌گذاری مورد نظر باید تعدیل شود. برای دارایی‌های نامشهود این بدان معناست که هر چهار کلاس فوق باید بکار گرفته شود؛ اگرچه اندازه‌گیری هر طبقه ممکن است متفاوت از دیگری باشد. با وجود اینکه این دیدگاه می‌تواند جامع و در عین حال انعطاف‌پذیر باشد اما، فقدان یک رویکرد استاندارد می‌تواند منجر به نتایج اختیاری و غیرقابل مقایسه شود. علاوه بر این، تصمیم‌گیرندگان باید اطلاعات و رویکردهای مختلف اندازه‌گیری را به منظور ایجاد فرآیندی جهت تعیین ارزش سرمایه‌گذاری مورد نظر ترکیب نمایند. نکته مهمتر اینکه روند تبدیل اطلاعات و معیارهای اندازه‌گیری مختلف به یک ارزش نهایی توسط تصمیم‌گیرندگان، تاکنون شناسایی نشده است.

کوپلاند و همکاران (۲۰۰۰) دریافتند که اندازه‌گیری عملکرد مبتنی بر بازار، اندازه‌گیری خروجی نهایی از عملکرد یک سرمایه‌گذاری است. اندازه‌گیری‌های مبتنی بر رویکرد ارزیابی، مرتبط با اندازه‌گیری‌های عملکرد مبتنی بر بازار است و هدف توضیح آنهاست، حتی اگر بین آنها اختلاف وجود داشته باشد. میزان اختلاف بین آنها بستگی به رویکرد ارزیابی‌ای دارد که انتخاب می‌شود [۵۲]. به منظور تکمیل یک چارچوب جامع اندازه‌گیری عملکرد، باید محرک‌های ارزش استراتژیک و عملیاتی که این بینش را ایجاد می‌کنند که عملکرد سرمایه‌گذاری در کجا ممکن است بدست آید، تکمیل شوند [۴۹].

در ادامه رویکردهای مختلف ارزیابی با جزئیات بیشتری مورد بحث قرار خواهد گرفت. آنها به روش‌های DIC تعلق دارند. برای برآورد ارزش منصفانه، این روش‌ها در استانداردهای حسابداری مالی نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند. این رویکردها در طبقات ROA، MC و SC قرار می‌گیرند. این بدان معنا نیست که دیگر رویکردهای اندازه‌گیری مفید نیستند؛ چرا که مناسب بودن یک معیار بستگی به اهداف اندازه‌گیری دارد.

رویکردهای مبتنی بر ارزیابی، یعنی معیارهای پولی، مطابق با پیشنهاد داموداران (۲۰۰۲) به سه طبقه زیر تقسیم می‌شوند:

- رویکردهای ارزیابی نسبی
- رویکردهای ارزیابی DCF
- رویکردهای ارزیابی ادعای احتمالی

بطور کلی، هدف رویکردهای ارزیابی نسبی برآورد ارزش یک دارایی از طریق قیمت‌گذاری یک دارایی قابل مقایسه با یک متغیر مشترک است. این متغیر مشترک می‌تواند سود، جریان‌های نقدی، ارزش دفتری یا فروش باشد [۲۸].

رویکردهای ارزیابی DCF، ارزش یک دارایی را بر اساس ارزش فعلی جریان‌های نقدی مورد انتظار آن دارایی اندازه‌گیری می‌کنند [۲۸]. در واقع هدف این رویکرد تعیین ارزش بنیادی یک دارایی بر مبنای جریان‌های نقد مورد انتظار از آن دارایی می‌باشد. این رویکرد، در مقابل رویکردهای مبتنی بر ارزیابی نسبی قرار می‌گیرد که هدف آنها تنها شناسایی متغیرهای قابل مقایسه و مشترک با قلم مورد نظر و قیمت‌گذاری بر مبنای آن دارایی می‌باشد.

یک کلاس پیشرفته‌تر از رویکردهای ارزیابی، رویکردهای ارزیابی ادعای احتمالی است، که از مدل‌های قیمت‌گذاری اختیار معامله برای اندازه‌گیری ارزش یک دارایی که دارای ویژگی‌های اختیار مشترک هستند، استفاده می‌کند [۲۸]. این اختیار معامله‌ها می‌توانند به دو طبقه‌ی اختیار مالی و اختیار واقعی طبقه‌بندی شوند. آنها یک حق را به دارنده می‌دهند، نه اینکه یک تعهد را ایجاد نمایند. مزیت این روش این است که باید انعطاف‌پذیری عملیاتی و سازگاری استراتژیک را به منظور اصلاح تصمیمات بعدی در پاسخ به تحولات غیر منتظره بازار بدست آورد و تاثیر وابستگی‌های متقابل پروژه و تعاملات رقابتی را در فرآیندهای ارزیابی در نظر بگیرد [۹۰].

## ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

طبقات دیگری نیز در تئوری و عمل پیشنهاد شده‌اند، که آنها می‌توانند با طبقات مذکور منطبق باشند. بطور کلی به نظر نمی‌رسد هیچ یک از روش‌های ارزیابی دارایی‌های نامشهود به تنهایی نسبت به دیگری برتری داشته باشد. علاوه بر این، بنظر می‌رسد که تمام این روش‌های ارزیابی به احتمال زیاد دارای خطاهای برآورد قابل توجه می‌باشند، حتی اگر فرض شود که دارایی‌های نامشهود به حد کافی تعریف و شناسایی شده باشند.

### **عدم اطمینان در اندازه‌گیری و ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود-درک دیدگاه کاربران و نیاز به افشای خارجی**

بسیاری از صاحب‌نظران در ادبیات مربوطه استدلال می‌کنند که کاربران تمایل به دریافت اطلاعات بیشتری در مورد ارزش دارایی‌های نامشهود (دانش) شرکت دارند [۳۳، ۷۱، ۹۲]. با این حال، آنها از تجدیدنظر در استانداردهای حسابداری حمایت می‌کنند چرا که استدلال می‌کنند، آن به تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی اجازه می‌دهد تا اطلاعات بیشتری را در ارتباط با مبانی دانش شرکت ارائه نمایند [۱۵، ۵۸، ۶۶]. با وجود این، استانداردگذاران هنوز تمایلی به تغییر قوانین فعلی حسابداری ندارند چرا که معتقدند ارائه اطلاعات بیشتر در ارتباط با ارزش دارایی‌های نامشهود نه قابل اتکاست، نه قابل مقایسه و نه مربوط [۸۱، ۸۳]. هر دو دیدگاه استانداردگذاران و صاحب‌نظران امر بنظر منطقی به نظر می‌رسد؛ اما اینکه کاربران واقعا چه چیزی می‌خواهند و چطور به این موضوع نگاه می‌کنند، مشخص نیست. آنها لزوماً به ارزش‌های پولی علاقه‌مند نیستند بلکه می‌خواهند اطلاعات بیشتری در ارتباط ارزش دارایی‌های نامشهود شرکت داشته باشند. با این حال، آنچه واضح به نظر می‌رسد این است که اندازه‌گیری و ارزیابی دارایی‌های نامشهود فعالیتی است سرشار از عدم اطمینان. کاربران ممکن است رویکردهای عملگرایانه‌تری نسبت به این موضوع پیچیده اتخاذ کنند و تمایل داشته باشند اطلاعات بیشتری را در ارتباط با ارزش دارایی‌های نامشهود دریافت کنند تا بتوانند ارزیابی‌های خود را انجام دهند. با توجه به این موضوع گزاره هفتم پژوهش اینگونه بیان می‌شود:

**گزاره ۷: ارزیابی و گزارشگری دانش در صورت‌های مالی مفید و مورد درخواست کاربران است.**

### **افشای دارایی‌های نامشهود در ارتباط با شرکت‌های دانش محور**

همانطور که در بخش‌های قبلی بیان شد، ادبیات موجود معتقد است صورت‌های مالی فعلی اطلاعات کافی و مربوط در ارتباط با ارزش دارایی‌های نامشهود یک شرکت را ارائه نمی‌کند. به منظور تشریح بیشتر موضوع یک شرکت دانش محور را در نظر بگیرید، چرا که کاستی‌های موجود در ارتباط با گزارشگری

## فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار / شماره چهل و دوم / بهار ۱۳۹۹

دارایی‌های نامشهود در این نوع از شرکت‌ها بیشتر نمایان می‌شود. در این شرکت‌ها انواع مختلف دارایی‌های نامشهود را می‌توان یافت بطوری که، در آنجا دارایی‌های نامشهود خلق می‌شوند، اصلاح و پردازش می‌شوند و بر مبنای همین دارایی‌های نامشهود (و تعداد کمی دارایی مشهود) محصولات تولید می‌شوند. برخی صاحب‌نظران امر نیز معتقدند صورت‌های مالی فعلی بدرستی ویژگی‌های خاص این صنعت خاص (یعنی شرکت‌های دانش محور) را شناسایی و منعکس نمی‌کند [۱۶، ۳۸، ۸۹]. اختلاف زیاد بین ارزش بازار سهام و ارزش دفتری شرکت نیز می‌تواند بیانگر عدم انعکاس ارزش دارایی‌های نامشهود در گزارش‌های مالی باشد. با این حال بسیاری از استدلال‌های موجود تفاسیر مشاهدات تجربی است تا اینکه دیدگاه مستقیم کاربرانی باشد که به دامنه و کیفیت گزارشگری مالی دارایی‌های نامشهود توجه می‌کنند. به منظور دستیابی به این شناخت گزاره‌ی زیر تدوین می‌شود:

**گزاره ۸: با وجود اینکه در ارتباط با شرکت‌های دانش‌محور گزارشگری مناسبی در صورت‌های مالی صورت نمی‌گیرد، کاربران ویژگی‌های اصلی شرکت‌های این صنعت را شناسایی می‌کنند.**

تایید گزاره فوق نشان می‌دهد که صورت‌های مالی فعلی فاقد اطلاعات مفید در ارتباط با دارایی‌های نامشهود برای تصمیم‌گیری می‌باشند. همچنین می‌تواند بدین معنا باشد که صورت‌های مالی فعلی اهداف خود را در ارتباط با این جنبه (دارایی‌های نامشهود) برآورده نمی‌کنند که این می‌تواند ناشی از یک چارچوب مفهومی نامناسب باشد. ادبیات موجود ادعا می‌کند که صورت‌های مالی ممکن است برای اهداف خاص مفید باشد اما، رسالت اصلی خود در ارتباط با ارائه اطلاعات مالی مفید برای برآورد ارزش شرکت را بصورت کامل برآورده نمی‌سازد. کاربران ممکن است به اطلاعات بیشتر و مربوطتری در صورت‌های مالی در ارتباط با منابع دارایی‌های نامشهود شرکت احتیاج داشته باشند [۳۹، ۴۱]. به منظور غلبه بر کاستی‌های موجود گزارشگری مالی، برخی صاحب‌نظران انتظار دارند که صورت‌های مالی فعلی در ارتباط با این اطلاعات باید تغییر کند. این تغییر یا می‌تواند از طریق ارائه یک مجموعه جدید از استانداردهای حسابداری باشد یا اینکه تغییر یا افزودن به مجموعه قوانین فعلی باشد [۸۱]. در این ارتباط گزاره زیر بدین صورت ارائه می‌گردد:

## ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

گزاره ۹: کاربران برای تصمیم‌گیری بهتر به اطلاعات مختلف و بیشتری نسبت به آنچه در صورت‌های مالی ارائه می‌شود احتیاج دارند.

### پیامدها و آسیب‌های ناخواسته قوانین حسابداری فعلی در قبال دارایی‌های نامشهود

نیاز به تغییر قوانین حسابداری برای دارایی‌های نامشهود را می‌توان بر اساس این دلایل توجیه کرد که، بسیاری از منابع استراتژیک و ارزش‌آفرین کسب و کارها مانند اختراعات، فناوری اطلاعات و یا نام و نشان تجاری به عنوان دارایی در گزارش‌های مالی به رسمیت شناخته نمی‌شوند [۵۸]. علاوه بر این، عدم انطباق اساسی بین روش حسابداری در رابطه با دارایی‌های نامشهود ایجاد شده در داخل شرکت و دارایی‌های نامشهود خریداری شده با عملکرد مشابه از خارج از شرکت، مقایسه عملکرد معنی‌دار شرکت‌های همگن با استراتژی‌های نوآورانه مختلف را غیر ممکن می‌سازد. در کنار موارد یاد شده، افشای هزینه‌های نامشهود نیز در گزارش‌های مالی به طور جدی ناکارآمد و ناقص است. به استثنای تحقیق و توسعه، تمام هزینه‌های نامشهود دیگر معمولاً در اقلام هزینه‌های دیگر ترکیب می‌شوند. برای مثال، سرمایه‌گذاران به هیچ وجه نمی‌دانند که شرکت به چه میزان در آموزش کارکنان و یا فناوری اطلاعات منابع صرف می‌کند یا اینکه آیا ارزش نام تجاری حفظ و ارتقا داده می‌شود و یا ارزش آن در حال کاهش است. بنابراین نیاز به تغییر رویه‌های حسابداری و گزارش‌دهی در قبال دارایی‌های نامشهود به نظر ضروری می‌رسد [۵۷]. در ادامه به برخی از آسیب‌ها و پیامدهای ناخواسته ناشی از رویه‌های فعلی حسابداری در قبال دارایی‌های نامشهود پرداخته می‌شود.

**الف. کاهش سود.** بدون شک سود خالص ناشی از فعالیت‌های یک کسب و کار، مرکز ثقل توجه مدیران و سرمایه‌گذاران است. در واقع اکثر تحلیلگران از روش‌های متنوعی برای پیش‌بینی سودهای کوتاه‌مدت و بلندمدت استفاده می‌کنند و توصیه‌های سرمایه‌گذاری را بر اساس این مدل‌ها ارائه می‌کنند. مدیران نیز توجه و تمرکز ویژه‌ای بر سود شرکت دارند، به گونه‌ای که در برخی موارد برای مطابقت سود حاصله با اهداف پیش‌بینی شده مورد انتظار، اقدام به دستکاری سود می‌کنند. بدیهی است که کاهش سود ناشی از عدم ارائه مناسب دارایی‌های نامشهود در گزارش‌های مالی مرتبط، موجب آسیب قابل توجهی به سرمایه‌گذاران و دیگر کاربران گزارش‌های مالی می‌شود. این دارایی‌ها به راحتی قابل ارائه نبوده و نمی‌توان آنها را با روش‌های فعلی حسابداری اندازه‌گیری کرد و مورد حسابرسی قرار داد، لذا در سود گزارش شده به ذی‌نفعان نشان داده نمی‌شوند. بنابراین دارایی‌های نامشهود تاثیر مستقیمی بر کیفیت و مربوط بودن گزارش‌های سود ارائه شده به سرمایه‌گذاران و مدیران کسب و کار دارد. عدم ارائه دارایی‌های نامشهود در گزارش‌های مالی مرتبط با سود شرکت نه تنها می‌تواند باعث نگرانی سرمایه‌گذاران شود،

## فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار / شماره چهل و دوم / بهار ۱۳۹۹

بلکه باید به دغدغه و مشکل اصلی بسیاری از مدیران تبدیل شود چراکه بخش قابل توجهی از ارزیابی عملکرد مدیران به گزارش‌های سود و سوددهی شرکت ارتباط دارد. در راستای توضیح این مشکل می‌توان به دوران پررونق اقتصاد ایالات متحده آمریکا طی سال‌های ۲۰۱۶ الی ۲۰۱۷ اشاره کرد که با وجود رونق و توسعه اقتصادی، ۴۰ الی ۵۰ درصد کل شرکت‌ها و نزدیک به ۷۰ درصد شرکت‌های با تکنولوژی بالا (شامل شرکت‌های دارویی، بیوتکنولوژی و غیره) گزارش کاهش سود را ارائه کرده‌اند. بدیهی است که این زیان عظیم و فراگیر عملکرد واقعی این شرکت‌ها را ارائه نمی‌کند. زیان نشان داده شده برای تقریباً نیمی از این شرکت‌های مبتنی بر دانش به این علت است که در این شرکت‌ها عموماً دارایی‌های نامشهود به عنوان هزینه در صورت‌های مالی ارائه شده است. مسلم است که اظهار سود ناشی از این رویه‌ی حسابداری برای شرکت‌های مبتنی بر دانش اساساً اشتباه است [۵۷].

**ب. آسیب زدن به تخصیص بهینه بازار سرمایه.** در حالت ایده‌آل سرمایه و بودجه سرمایه‌گذاران می‌بایست به فرصت‌های امیدوارکننده در شرکت‌های با عملکرد مناسب اختصاص یابد. عدم ارائه دارایی‌های نامشهود در صورت‌های مالی و ترازنامه شرکت‌ها منجر به این مورد می‌شود که دارایی‌های شرکت‌های مذکور به طور کامل به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به خصوص سرمایه‌گذاران نشان داده نشود. این ضعف مهم در شرکت‌های با تکنولوژی بالا که عموماً سرمایه‌ها و دارایی‌های نامشهود آنها بسیار بیشتر از دارایی‌های مشهود است، بیشتر متداول است؛ که این موضوع باعث می‌شود سرمایه‌گذاران نتوانند شرکت‌های با قابلیت و پتانسیل مناسب را جهت سرمایه‌گذاری هدفمند و سودده انتخاب کنند [۶۲]. از طرف دیگر عدم ارائه دارایی‌های نامشهود در صورت‌های مالی باعث می‌شود این دارایی‌ها به صورت هزینه‌های شرکت در صورت‌های مالی گزارش شوند و بدین ترتیب منجر به کاهش سود نهایی شرکت می‌شود. بدیهی است که سود شرکت‌ها از نظر سرمایه‌گذاران در زمره اصلی‌ترین معیارهای تصمیم‌گیری برای انتقال و تزریق سرمایه است. بنابراین به هر میزان که دارایی‌های نامشهود به عنوان هزینه در صورت‌های مالی ارائه شوند، تخصیص نامناسب سرمایه وجود خواهد داشت [۵۷].

**ج. کاهش عرضه اولیه اوراق بهادار.** مورد عجیب و غیرمنتظره‌ای که در بازار سرمایه ایالات متحده رخ داده، این است که تعداد شرکت‌های عرضه شده در بازار بورس اوراق بهادار این کشور به شدت در حال کاهش است. بر اساس مطالعات دویگ و همکاران (۲۰۱۸) در سال ۱۹۹۷، ۷۵۰۹ شرکت سهامی عام در ایالات متحده وجود داشته است که در سال ۲۰۱۶ این تعداد به ۳۶۱۸ مورد کاهش داشته است؛ که معادل ۵۲ درصد کاهش می‌باشد. نکته قابل توجه اینکه این پدیده منحصریفرده مختص ایالات متحده بوده است. به همین علت موجی از ادغام‌ها و تحویل شرکت‌های عمومی ایالات متحده توسط



## ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

سایر شرکت‌ها به وجود آمده است که دلیل اصلی این پدیده کاهش عرضه اولیه اوراق بهادار است. عدم ارائه و پوشش مناسب دارایی‌های نامشهود توسط رویه‌های جاری حسابداری موجب نادیده گرفتن بخش زیادی از دارایی‌های شرکت‌ها (به ویژه شرکت‌های دانش بنیان) می‌شود که این امر باعث می‌شود که دارایی‌های واقعی این شرکت‌ها کمتر از واقع گزارش شوند. بدین ترتیب دارایی این شرکت‌ها نمی‌تواند به سقف مورد نظر جهت اخذ مجوز عرضه اولیه اوراق بهادار در بورس، دست یابد و بنابراین این دسته از شرکت‌ها نمی‌توانند راهی به بورس داشته باشند. حسابرسی نادرست دارایی‌های نامشهود این شرکت‌ها موجب تخصیص نادرست سرمایه‌های مورد نظر، کاهش سود مربوط، افزایش عدم قطعیت تحلیلگران در مورد آینده عملیاتی شرکت و کاهش محتوای اطلاعاتی قیمت می‌شود، که تمامی این موارد در عدم عرضه اولیه اوراق این شرکت‌ها به بورس تاثیر مستقیم دارند [۷۰].

### **پیشینه پژوهش**

در پژوهش‌های زیادی، اهمیت شناسایی و گزارشگری دارایی‌های نامشهود در گزارشگری مالی برون سازمانی مستند شده است. اوزکان<sup>۲۸</sup> (۲۰۱۷) بیان می‌کند، دارایی‌های نامشهود در موفقیت شرکت نقش شایان توجهی دارد. به باور وی، استانداردهای بین المللی در مقایسه با استانداردهای آمریکا از ارتباط ارزشی بیشتری برخوردار است و علت آن، شناسایی دارایی‌های نامشهود در ترازنامه شرکت‌ها است [۷۲]. دی ویجنر و همکاران<sup>۲۹</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی اثرات اقتصادی سرمایه‌ای کردن هزینه‌های توسعه پرداختند. آنها با این نگاه که سرمایه‌ای کردن هزینه‌های توسعه ارائه دهنده یک سیگنال معتبر در ارتباط با پیشرفت عملیات تحقیق و توسعه صادر می‌کند، به بررسی اثر این سیگنال بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و رفاه اجتماعی پرداختند. نتایج آنها نشان داد با سرمایه کردن هزینه‌های توسعه بجای هزینه کردن آن، سرمایه‌گذاری در تحقیق بطور ضعیف افزایش اما، سرمایه‌گذاری در توسعه با شدت یکسان با هزینه‌های تحقیق کاهش می‌یابد [۲۹].

آل هامادین و همکاران<sup>۳۰</sup> (۲۰۱۴) به بررسی اقدامات افشای داوطلبانه و اختیاری اطلاعات دارایی‌های نامشهود در صنایع کشور اردن پرداختند. همچنین در این پژوهش ارزیابی شده که شرکت‌های صنعتی اردن به چه میزان اطلاعات مربوط به دارایی‌های نامشهود را گزارش می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افشای فنی دارایی‌های نامشهود با بازار سرمایه‌گذاری مرتبط است، در حالی که افشای عمومی دارایی‌های نامشهود (غیر فنی) با بخش زیرمجموعه شرکت مرتبط است. یافته‌های این تحقیق موجب نگرانی در مورد کارایی گزارش‌دهی شرکت‌ها در ارتباط با توانایی آنها در حفظ و ایجاد نوآوری در محیط کسب و کار خود در دراز مدت می‌شود [۱۴].

چاندر و مهرا<sup>۳۱</sup> (۲۰۱۱) به بررسی ۲۴۳ شرکت هندی پرداختند. این پژوهشگران گزارش‌های سالانه شرکت‌ها را برای تعیین درجه‌ای از افشای اطلاعات دارایی‌های نامشهود بررسی کردند. شاخص افشای دارایی‌های نامشهود بر اساس چارچوب دارایی‌های نامشهود که توسط سویدی<sup>۳۲</sup> (۱۹۹۷) ارائه شده و توسط گوتری و پتی<sup>۳۳</sup> (۲۰۰۰) مورد استفاده و آزمایش قرار گرفته است و توسط بسیاری از مطالعات بعدی نیز اصلاح شده و مورد استفاده قرار گرفته است، می‌باشد. نتایج نشان داد که سرمایه خارجی بیشترین میزان دارایی نامشهود را دارا بوده و دارای مقادیر افشایی ۳۷/۹۰٪ و ۳۵/۸۳٪ در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ و ۲۰۰۷-۲۰۰۸ می‌باشد. دیگر نتایج بیانگر این مهم است که گزارش‌های افشای دارایی‌های نامشهود سازماندهی نشده و غیر سیستمی است. همچنین نبود چارچوب مناسب برای افشای اطلاعات دارایی‌های نامشهود در گزارش‌های سالانه شرکت‌ها هویدا است [۲۶].

نیک کار و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تاثیر سرمایه‌گذاری در دارایی نامشهود در توضیح دهندگی تاثیر سلامت مالی و مشکلات نمایندگی در ارزش بازار شرکت پرداختند. نتایج آنها نشان داد دارایی نامشهود مناسب، به شرکت برای دستیابی موفقیت‌آمیز به ریشه‌های خلق ارزش کمک می‌کند؛ به عبارت دیگر، دارایی‌های نامشهود، محرک اصلی رشد و ایجاد ارزش در بسیاری از بخش‌های اقتصادی است. افزون بر این، نتایج نشان داد دارایی نامشهود در توضیح‌دهندگی ارتباط بین سلامت مالی شرکت (متغیر عملکرد شرکت) و هزینه نمایندگی (سیاست توزیع سود) در ارزش بازار شرکت، تأثیر معناداری دارد [۱۳].

بیات و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تاثیر سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود بر جریان‌های نقد عملیاتی آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه تاثیر معکوس و سرمایه‌گذاری در تبلیغات، آموزش و نرم افزارهای رایانه‌ای بدون اثر بر جریان‌های نقد عملیاتی آتی می‌باشند [۲].

مشایخی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تعیین ارزش دارایی‌های نامشهود با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی پرداخته‌اند. در این مطالعه با استفاده از مدل مبتنی بر شبکه عصبی مصنوعی به شناسایی عوامل مؤثر در تعیین ارزش دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. هدف اصلی از مدل کردن عوامل مؤثر بر ارزش دارایی‌های نامشهود با استفاده از شبکه‌های عصبی، بررسی میزان تاثیر پانزده متغیر ورودی (شامل تعداد اعضای هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، اندازه شرکت، اهرم، دارایی‌های ثابت، رشد فروش، سودآوری، پرداخت سود، سن شرکت، تعداد کارکنان، متنوع سازی، ساختار مدیریت، صادرات، مخارج تحقیق و توسعه و هزینه‌های بازاریابی و تبلیغات) بر متغیر ارزش شرکت می‌باشد. یافته‌های حاصل از پژوهش حاکی از اهمیت ویژگی‌های خاص شرکتی در

### ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

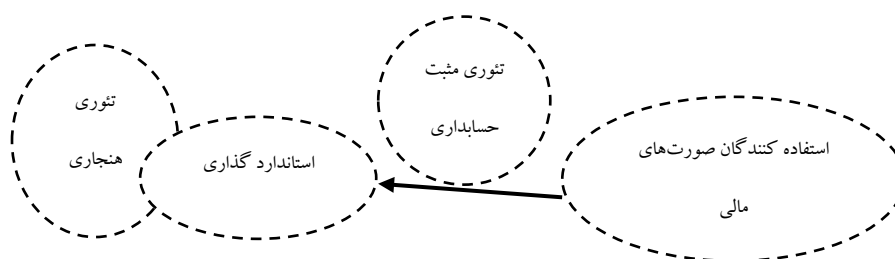
وهله نخست، حاکمیت شرکتی در رتبه دوم، ساختار مالکیت در رتبه سوم و سرمایه نامشهود در رتبه چهارم در تعیین ارزش دارایی‌های نامشهود است [۸].

#### سوال‌های پژوهش

۱. ضعف‌های چارچوب فعلی گزارشگری دارایی‌های نامشهود از دیدگاه کاربران چیست؟
۲. مولفه‌های اثرگذار بر گزارشگری دارایی‌های نامشهود کدامند؟
۳. مدل مطلوب گزارشگری دارایی‌های نامشهود از دیدگاه کاربران چیست؟

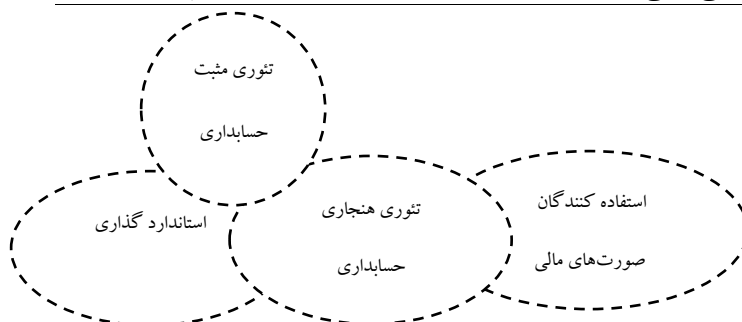
#### روش پژوهش

پژوهش حاضر سعی دارد با خلق نوآوری در ادبیات حسابداری دارایی‌های نامشهود و با جزئیات بیشتری که توصیف خواهد کرد از استراتژی تحقیق کیفی به منظور انجام پژوهشی کامل در خصوص دیدگاه‌های ذینفعان مختلف استفاده کند. به بیان دیگر این تحقیق ماهیتا هنجاری است اما سعی می‌شود با روش تجربی کیفی پیوند داده شود تا رویکرد مناسب‌تری را بتوان استنتاج کرد. اگرچه تحقیقات جاری در حوزه حسابداری مالی بر اساس رویکردهای هنجاری و مثبت انجام می‌شوند، اما قابل ذکر است که فرآیند استانداردگذاری از این دو حوزه‌ی تحقیقاتی مجزاست. شکل زیر بطور خلاصه این موضوع را بیان می‌کند:



شکل ۱: ارتباط فعلی بین حوزه‌های تحقیقاتی حسابداری (رویکرد هنجاری و پازیتیو) و فرآیند استانداردگذاری [۶۷]

پژوهش حاضر ارتباط مذکور بین تحقیقات، استانداردگذاری و استفاده کنندگان را اصلاح و تجدید سازمان نموده و رویکرد هنجاری را با فرآیند استانداردگذاری از طریق تحقیق تجربی در مورد نیازهای استفاده کنندگان ادغام نموده تا بینشی عمیق نسبت به دیدگاه آنها بدست آورد. شکل زیر بطور خلاصه این هدف را توصیف می‌کند:



شکل ۲: ارتباط جدید بین حوزه‌های تحقیقاتی حسابداری (رویکرد هنجاری و پازیتوو) و فرآیند استاندارد گذاری [۶۷]

در راستای تحقق اهداف پژوهش، استراتژی پژوهش کیفی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. هدف از این مطالعه شناخت و درک تجارب افراد و تفاسیر آنها در زمینه گزارشگری دارایی‌های نامشهود به منظور دستیابی به نظریه‌ای در این زمینه است. در این پژوهش کیفی برای ارائه مدل گزارشگری دارایی‌های نامشهود از نظریه داده بنیان استفاده شده است. نظریه داده بنیان، یکی از استراتژی‌های کیفی پژوهش به حساب می‌آید که از طریق آن نظریه پردازی بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها شکل می‌گیرد. این استراتژی پژوهشی بر سه عنصر مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌ها استوار است. هدف اصلی این نوع نظریه پردازی تبیین یک پدیده از طریق مشخص کردن مولفه‌های کلیدی آن پدیده و سپس طبقه‌بندی روابط این مولفه‌ها درون بستر و فرآیند آن پدیده است. به عبارت دیگر، هدف آن حرکت از جز به کل بدون از دست دادن توجه به محور اصلی بررسی است.

در این پژوهش، جهت شناسایی مولفه‌ها و ساخت مدل اندازه‌گیری دارایی نامشهود، از ابزار مصاحبه کمتر ساختاریافته با سوالات نیمه ساختارمند استفاده می‌گردد. مطابق نظر الیوت<sup>۳۴</sup> (۲۰۰۵، ۲۰۰۷)، کرسول<sup>۳۵</sup> (۲۰۰۷)، هالیدی<sup>۳۶</sup> (۲۰۰۲) و بریمن<sup>۳۷</sup> (۲۰۰۱) چنین مصاحبه‌هایی پژوهشگر را قادر می‌سازد که بینش وسیع، عمیق و منحصر به فرد را در مورد دیدگاه‌ها و درک مصاحبه شونده‌ها به دست آورند، که این مهم برای چارچوب افشای دارایی‌های نامشهود<sup>۳۸</sup> (IDF) بسیار مهم و حائز اهمیت است. پس از انجام هر مصاحبه و پیاده‌سازی آن ابتدا متن هر مصاحبه مورد مطالعه و بر مبنای تحلیل خط به خط و پاراگراف به پاراگراف، مفاهیم اولیه و نکات کلیدی تعیین و کدگذاری باز (به منظور کشف مولفه‌های توضیح دهنده فرآیند اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود) انجام می‌شود. پس از کدگذاری مصاحبه، پژوهشگر اقدام به مصاحبه بعدی و انجام کدگذاری مجدد می‌پردازد. این روش تا زمان جمع‌آوری نتایج و رسیدن به اشباع نظری ادامه می‌یابد. در این پژوهش، جهت شناسایی مولفه‌ها و تبیین مدل گزارشگری دارایی‌های

## ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

نامشهود از مصاحبه نیمه ساختار یافته (مصاحبه‌ای که در آن سوال‌ها از قبل طراحی شده‌اند و هدف کسب اطلاعات عمیق از مصاحبه شونده است) با مسئولان اعتبارات بانک‌ها (به عنوان یکی از تامین‌کنندگان اصلی منابع)، مدیران شرکت‌های سرمایه‌گذاری (به عنوان نماینده‌ای برای سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه)، مدیران شرکت‌های دانش محور (به عنوان نماینده‌ای برای تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی)، حساب‌رسان (به عنوان نماینده‌ای برای تاییدکنندگان گزارش‌های مالی) و کارشناسان رسمی دادگستری (به عنوان نماینده‌ای برای ارزش‌گذاران دارایی‌های نامشهود) استفاده شده است. از هر یک از گروه‌ها سه نفر با روش نمونه‌گیری گلوله برقی انتخاب گردید. مصاحبه‌ها بصورت چهره به چهره صورت گرفت و پس از هماهنگی با مصاحبه شونده‌گان اقدام به ضبط مصاحبه‌ها گردید. سپس متن مصاحبه‌ها بصورت کامل تایپ و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### یافته‌های پژوهش

رهیافت نظام‌مند در نظریه‌پردازی داده بنیاد بر استفاده از گام‌های تحلیل داده‌ها مشتمل بر کدگذاری باز، محوری و انتخابی، و تدوین یک الگوی منطقی با یک توصیف بصری از نظریه تولید شده تاکید دارد [۲۷]. استراوس و کوربین (۱۹۹۸) سه تکنیک کدگذاری را پیشنهاد دادند که عبارتند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. به دلیل طولانی بودن جداول مربوط به کدگذاری‌ها، در کدگذاری باز و محوری تنها بخشی از جدول گزارش شده است.

### جدول ۲: بخشی از کدگذاری باز

سوال ۲: آیا می‌توانید دارایی نامشهود مرتبط به شرکت‌های دانش محور را در یک جمله توصیف کنید؟		
B1	بطور کلی شرکت‌هایی هستند که فاقد اظهار نامه مالیاتی بوده و یا درآمدی نداشته باشند.	اظهارنامه مالیاتی صفر
B2	شرکت‌های دانش محور مبتنی بر دانش هستند.	شرکت‌های دانش محور
B3	شرکت‌های دانش محور زیرساخت‌های اطلاعاتی قوی دارند.	زیرساخت‌های اطلاعاتی
B4	شرکت‌های دانش محور معمولا مربوط به تکنولوژی است.	مربوط به تکنولوژی
B5, B8, B11	دارایی‌ای که منافع ثبت نشده‌اش بیشتر از منافع ثبت شده‌ش باشد.	عدم ثبت منافع واقعی

بر این اساس بیش از ۱۵۰ کد اولیه بدست آمد و این مفاهیم در مرحله دوم جهت انسجام بیشتر و تحلیل و تفسیر منسجم تر در قالب ۲۱ مفهوم انتزاعی‌تر کدگذاری شدند (کدگذاری محوری). قسمتی از نتایج این کدگذاری و نحوه تحلیل و ترکیب مفاهیم اولیه در قالب مفاهیم ثانویه در جدول ۳ نشان داده شده‌است.

جدول ۳: بخشی از نمایش کدگذاری محوری

کدگذاری محوری	کدگذاری باز
دارایی نامشهود	<ul style="list-style-type: none"> <li>• منافع آتی</li> <li>• ساختار فکری</li> <li>• اکتشاف و نوآوری‌ها</li> </ul>
نوع ساختار	<ul style="list-style-type: none"> <li>• قابلیت شناسایی</li> <li>• ضرورت شناسایی آنها</li> <li>• تعریف شاخص</li> <li>• محصول فناورانه</li> <li>• اثربخشی</li> <li>• محصول‌های فناوری</li> </ul>
ساختار	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ساختار</li> <li>• زیرساخت اطلاعاتی</li> <li>• روش تولید</li> <li>• روش ارزش‌گذاری محصولات</li> <li>• مواد اولیه</li> <li>• تحول ساختاری</li> <li>• دانش فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی</li> </ul>

در مرحله بعد ۲۱ مفهوم تولید شده در فرآیند کدگذاری محوری در قالب ۶ مقوله یا تم طبقه‌بندی شدند. این مقولات عمده (تم‌ها) از لحاظ انتزاعی بودن در سطح بالاتری نسبت به مفاهیم مرحله قبل قرار دارند.

جدول ۴: کدگذاری انتخابی

کدگذاری محوری	کدگذاری باز
مفاهیم دارایی نامشهود	<ul style="list-style-type: none"> <li>• منافع آتی</li> <li>• ساختار فکری</li> <li>• اکتشاف و نوآوری‌ها</li> </ul>
نوع ساختار دارایی نامشهود	<ul style="list-style-type: none"> <li>• قابلیت شناسایی</li> <li>• ضرورت شناسایی آنها</li> <li>• تعریف شاخص</li> <li>• محصول فناورانه</li> <li>• اثربخشی</li> <li>• محصول‌های فناوری</li> </ul>

ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

<ul style="list-style-type: none"> <li>• سرمایه انسانی</li> <li>• سرمایه اطلاعاتی</li> <li>• سرمایه رابطه‌ای</li> <li>• سرمایه فکری</li> </ul>	ویژگی‌های دارایی نامشهود	علی
<ul style="list-style-type: none"> <li>• اظهارنامه مالیاتی صفر</li> <li>• شرکت‌های دانش محور</li> <li>• زیرساخت‌های اطلاعاتی</li> <li>• مربوط به تکنولوژی</li> <li>• عدم ثبت منافع واقعی</li> <li>• ناشناس بودن</li> <li>• غیرقابل شناسایی</li> <li>• وابسته به صنعت</li> </ul>	دارایی نامشهود در دانش محور	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• وضعیت ساختار سرمایه</li> <li>• ساختار منابع انسانی</li> <li>• قدرت واحد تجاری</li> <li>• تامین مالی و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری</li> <li>• رعایت استانداردهای تصمیمات اقتصادی</li> <li>• رابطه پاسخگویی و پاسخ خواهی</li> </ul>	ارائه اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری	مقوله محوری
<ul style="list-style-type: none"> <li>• ارزیابی توان مالی</li> <li>• ارزیابی پروژه‌ها</li> <li>• بررسی نسبت‌های عملیات</li> <li>• اطلاع از وضع مالی شرکت</li> <li>• اطلاع از عملکرد مالی، وضعیت مالی</li> <li>• افشای اطلاعات</li> <li>• افشای منابع اقتصادی</li> <li>• نتایج عملیات</li> <li>• برنامه‌ریزی زمانی مالی</li> </ul>	ارزیابی توان مالی	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تحلیل بنیادی</li> <li>• آینده پژوهی</li> <li>• همراهی بودن منافع</li> <li>• پیش‌بینی</li> </ul>	سناریوها	بستر

**فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار / شماره چهل و دوم / بهار ۱۳۹۹**

<ul style="list-style-type: none"> <li>• سرمایه‌های فکری، تکنولوژی</li> <li>• مواد اولیه</li> <li>• سهم تحقیق و توسعه</li> </ul>	<p>ویژگی شرکت دانش محور از منظر سرمایه</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• ساختار</li> <li>• زیر ساخت اطلاعاتی</li> <li>• روش تولید</li> <li>• روش ارزشگذاری محصولات</li> <li>• مواد اولیه</li> <li>• تحول ساختاری</li> <li>• دانش فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی</li> </ul>	<p>ویژگی شرکت دانشی از منظر ساختار</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• بر اساس فعالیت</li> <li>• بر اساس دارایی‌ها</li> <li>• نوآوری</li> <li>• شایستگی‌های اقتصادی</li> <li>• نوع صنعت</li> <li>• برای هلدینگ‌ها مفید</li> <li>• زیرساخت</li> <li>• نگهداشت سرمایه‌های انسانی</li> <li>• برای شرکت‌های دانشی مفید</li> <li>• شرکت‌های سرمایه‌گذاری</li> </ul>	<p>از منظر برند</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• عدم شناسایی دارایی‌های نامشهود با وجود مدل‌های ارزشگذاری برای برخی از آنها</li> <li>• استفاده از اطلاعات مکمل و عدم ثبت در دفاتر</li> <li>• نسبت‌های حسابداری</li> <li>• زمان فروش</li> <li>• اطلاعات کامپیوتری</li> </ul>	<p>ارزشگذاری دارایی نامشهود</p>	<p>پیامد</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• نبود استاندارد</li> <li>• نیاز به تعریف استانداردهای جدید</li> </ul>	<p>ناکارایی صورتهای مالی سنتی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• ثبت دارایی‌های نامشهود</li> <li>• حمایت از ارائه خدمت ارزش‌گذاری دانش فنی و قیمت‌گذاری سهام</li> </ul>	<p>رشد شرکت</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• سیستم گزارشگری جدید</li> <li>• وجود فرانشیز و حق انحصاری</li> <li>• اهمیت اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود</li> </ul>	<p>ضرورت گزارشگری نامشهودها</p>	



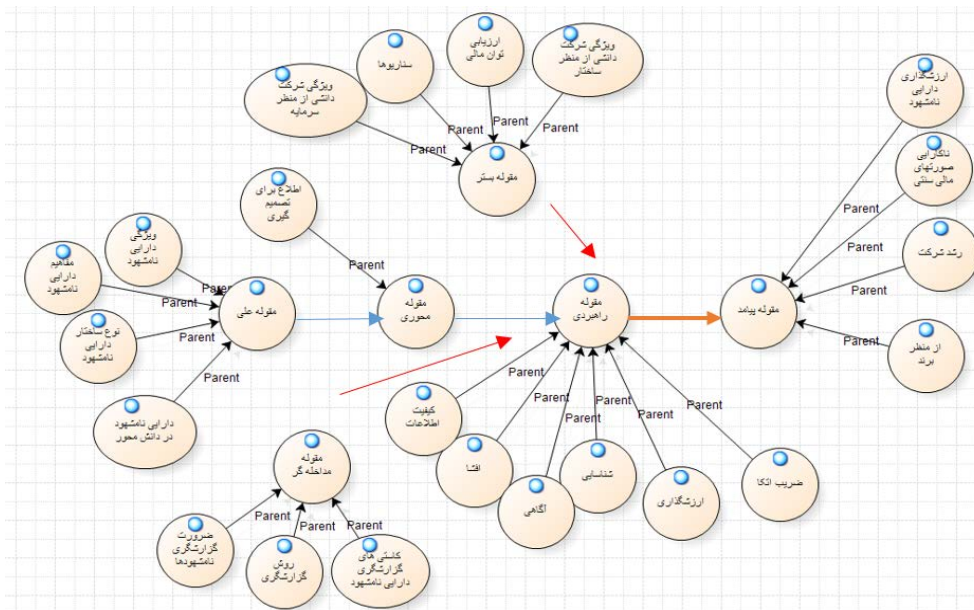
ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خریدار

<ul style="list-style-type: none"> <li>• حق مالکیت معنوی</li> <li>• کاهش بحران مالی</li> <li>• محاسبه آسانتر درآمدها</li> </ul>		مداخله
<ul style="list-style-type: none"> <li>• گزارش مکمل</li> <li>• بکارگیری روش‌های تحلیل حساسیت یا تحلیل سناریو در ارائه اطلاعات مکمل</li> <li>• سرمایه فکری به عنوان اهرمی برای سودآوری</li> </ul>	روش گزارشگری	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• عدم افشا در گزارشگری برای کالاهای نامشهود</li> <li>• عناصر فراموش شده</li> <li>• عدم لحاظ استهلاک</li> <li>• عدم وحدت رویه شرکت‌ها در افشای دارایی‌های نامشهود</li> <li>• عدم گزارش ریز اقلام نامشهود</li> <li>• نیاز به تعریف استانداردهای جدید</li> </ul>	کاستی‌های گزارشگری دارایی نامشهود	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• افزایش قابلیت اتکای اطلاعات ارائه شده با ارائه گزارش‌های موسسات</li> <li>• رتبه‌سنجی حاصل می‌شود</li> <li>• قیمت‌گذاری ضریب اتکا</li> <li>• ویژگی کیفی قابل فهم</li> <li>• عدم دستیابی به ویژگی قابلیت اتکا</li> </ul>	ضریب اتکا	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• ارزش سرقفلی</li> <li>• نیاز به ایجاد یک مدل</li> <li>• ارزش بازار شرکت</li> </ul>	ارزشگذاری	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• وزن بیشتر به ارائه اطلاعات محافظه کارانه تا مربوط</li> <li>• افشای اطلاعات بصورت مکمل</li> </ul>	افشا	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• وزن بیشتر مربوط بودن نسبت به قابل اتکا بودن</li> <li>• تعیین کنندگی آثار مخرب در وزن‌دهی ویژگی‌های کیفی</li> <li>• ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری</li> </ul>	کیفیت اطلاعات	راهبرد
<ul style="list-style-type: none"> <li>• ارزیابی دقیقی از ارزش بازار</li> <li>• ارائه اطلاعات مکمل با توجه به نیازهای برخی ذینفعان</li> <li>• ارائه اطلاعات کمی و کیفی</li> <li>• شناسایی هزینه</li> <li>• مبانی ارزشیابی دارایی‌ها</li> <li>• نوع فعالیت</li> <li>• لحاظ شدن نوآوری و شایستگی</li> <li>• شکاف فزاینده بین ارزش دفتری و ارزش بازار</li> </ul>	شناسایی	

فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار / شماره چهل و دوم / بهار ۱۳۹۹

• تدابیر جدید		
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تعیین مفید بودن با توجه به نوع ذینفعان</li> <li>• مفید برای دارایی‌های نامشهود با عمر مفید</li> <li>• نامفید برای تجدید ارزیابی</li> <li>• دارایی‌های گرو گذارده شده</li> <li>• دارایی‌هایی که مورد استفاده نیست</li> <li>• نشان دادن آثار تورم</li> <li>• آگاهی بخشی صورتهای مالی</li> <li>• نادیده گرفتن تورم</li> </ul>	آگاهی	

مقوله های بدست آمده را برای رسم شبکه مضامین وارد نرم افزار NVIVO کرده و شبکه مضامین زیر رسم شده است:



شکل ۴: شبکه مضامین پژوهش

اعتبارسنجی نظریه داده بنیاد

یکی از بخش‌های مهم در پژوهش‌های کیفی صحت اعتبار داده‌ها و یافته‌ها است. مواردی همچون حساسیت پژوهشگر، انسجام روش‌شناسی، متناسب بودن نمونه، گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها باعث

## ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

می‌شوند تا حد زیادی دقت علمی تحقیق کیفی تضمین شود [۱]. در پژوهش حاضر از روش بازبینی مشارکت‌کنندگان استفاده گردید بطوری که، مدل پس از طراحی اولیه، در اختیار برخی مشارکت‌کنندگان (از هر گروه یک نفر) قرار گرفت و با دریافت نظرات اصلاحی و پیشنهادی آنها، مدل نهایی پژوهش به صورت فوق ترسیم گردید.

### **بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها**

**مقاله علی** شامل چهار مولفه مفاهیم دارایی نامشهود، نوع ساختار دارایی نامشهود، ویژگی دارایی نامشهود و دارایی نامشهود در شرکت‌های دانش محور بود. در بحث مفاهیم منافع آتی، ساختار فکری، اکتشاف و نوآوری‌ها برای دارایی‌های نامشهود مطرح است، نوع ساختار دارایی نامشهود نیز شامل مولفه‌هایی چون قابلیت شناسایی این کالاها، ضرورت شناسایی آنها، تعریف شاخص، اثربخشی و محصول‌های فناوری مطرح است که نشان می‌دهد کالاهای نامشهود با تعریف دقیقی از جزئیات گزارش نمی‌شوند. ویژگی دارایی نامشهود شامل مولفه‌هایی چون سرمایه انسانی، سرمایه اطلاعاتی، سرمایه رابطه‌ای و سرمایه فکری است. دنیای امروز، اقتصاد سنتی را پشت سر گذاشته و وارد اقتصاد مبتنی بر دانش شده است. اقتصاد مبتنی بر دانش، اقتصادی است که در آن تولید و بهره‌وری از دانش، نقش اصلی را در فرایند ایجاد ثروت ایفا می‌کند. یکی از ویژگی‌های متمایز اقتصاد مبتنی بر دانش، جریان هنگفت سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و فناوری اطلاعات و ارتباطات است. اقتصاد مبتنی بر دانش به گونه بالقوه منابع نامحدودی ارائه می‌کند؛ زیرا سرمایه انسانی برای ایجاد دانش نامحدود است. دارایی‌های نامشهود اقلامی مانند قدرت خلاقیت و نوآوری کارکنان، تجربه و مهارت کارکنان، رضایت مشتری، اطلاعات و دانش موجود در سازمان است که به سرعت مکمل دارایی‌های فیزیکی می‌شود [۷۶]. به عبارت دیگر، در جوامع دانش محور کنونی، نقش و اهمیت سرمایه‌های مالی در مقایسه با سرمایه‌های فکری در تعیین قابلیت سودآوری پایدار کاهش چشم‌گیری یافته است. به دلیل اهمیت روز افزون سرمایه‌های فکری در فرآیند برتری راهبردی شرکت‌ها، اکثر شرکت‌ها در پی یافتن روش‌های اندازه‌گیری سرمایه‌های فکری شرکت‌ها می‌باشند. بسیاری از صاحب نظران معتقدند که مطالعات مربوط به سرمایه فکری، یکی از حوزه‌های با اهمیت مطالعات آتی حسابداری خواهد بود. بسیاری از پژوهشگران سرمایه فکری را مطالعه و بررسی کرده‌اند و برخی نیز بر افشای سرمایه فکری متمرکز شده‌اند. این پژوهشگران به طور کلی نشان داده‌اند، در حال حاضر افشای اطلاعات مربوط به سرمایه فکری در حد کافی صورت نگرفته است، با این حال با توجه به اهمیت دانش و نقش اطلاعات در موفقیت بنگاه‌ها، در آینده شاهد افشای روز افزون اطلاعات مربوط به سرمایه فکری خواهیم بود. و مولفه آخر در بعد علی

## فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار / شماره چهل و دوم / بهار ۱۳۹۹

دارایی نامشهود در دانش محور است که شامل مولفه‌هایی چون اظهارنامه مالیاتی صفر، زیر ساخت‌های اطلاعاتی، ارتباط با تکنولوژی، عدم ثبت منافع واقعی، ناشناس بودن، غیرقابل شناسایی و وابسته به صنعت بودن مولفه‌های اصلی دارایی نامشهود در شرکت‌های دانش محور محسوب می‌شوند. امروزه در اقتصاد جهانی، دانش به عنوان مهمترین سرمایه جایگزین سرمایه‌های مالی و فیزیکی شده است و فضای کسب و کار مبتنی بر دانش، نیازمند رویکردی است که دارایی نامشهود جدید سازمانی مانند شایستگی و نوآوری‌های نیروی انسانی، روابط با مشتریان، نظام‌ها و ساختار سازمانی و غیره را در بر می‌گیرد. در این میان نظریه سرمایه فکری توجه روز افزون محققان دانشگاهی و مدیران را به خود جلب کرده است. در اقتصاد دانش محور، نقش سرمایه فکری در ایجاد ارزش برای سازمان‌ها و واحدهای تجاری بسیار بیشتر از نقشی است که سرمایه‌های مالی و فیزیکی ایفا می‌کند و به تعبیری سرمایه فکری به عنوان سرمایه واقعی و از مهم‌ترین سرمایه‌های سازمان‌های عصر حاضر مطرح است. سرمایه فکری یعنی کل موجودی سرمایه یا حق مالکانه مبتنی بر دانش که شرکت مالک آن است. از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها و ضعف‌های موجود در سیستم حسابداری سنتی، عدم اندازه‌گیری و سنجش سرمایه فکری و لحاظ کردن آن در صورت‌های مالی شرکت‌هاست. در واقع محدودیت‌های صورت‌های مالی در توضیح ارزش شرکت این حقیقت را بیان می‌کند که ارزش اقتصادی منابع فقط منحصر به ارزش کالاهای مادی نیست بلکه سرمایه فکری را هم در بر می‌گیرد. بنابراین سازمان‌ها برای کسب مزیت رقابتی پایدار، نیازمند شناسایی، اندازه‌گیری، مدیریت آگاهانه و نظام مند سرمایه‌های فکری خود می‌باشند. یافته‌های این مقوله را می‌توان همراستا با یافته‌های لابیدی و همکاران (۲۰۱۹)، باومن و شو (۲۰۱۸)، اوزکان (۲۰۱۷)، نیک‌کار و همکاران (۱۳۹۷)، مشایخی و بیرامی (۱۳۹۷) و مشایخی و همکاران (۱۳۹۳) دانست که پارادوکسی بین آنها وجود ندارد.

**مقوله بستر** نیز شامل چهار مولفه بود، ارزیابی توان مالی، سناریوها، ویژگی شرکت‌های دانشی از منظر سرمایه، ویژگی شرکت‌های دانشی از منظر ساختار. بستری که باید برای ارزیابی توان مالی فراهم کرد توان بخشیدن به آن برای ارزیابی پروژه‌ها، بررسی نسبت‌های عملیات، اطلاع از وضع مالی شرکت، اطلاع از عملکرد مالی، وضعیت مالی، افشای اطلاعات، افشای منابع اقتصادی، نتایج عملیات و برنامه‌ریزی زمانی مالی است.

ویژگی شرکت دانشی از منظر ساختار نیز شامل زیرساخت اطلاعاتی، روش تولید، روش ارزشگذاری محصولات، مواد اولیه، تحول ساختاری و دانش فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی است. به اعتقاد چن و همکاران (۲۰۰۴)، سرمایه ساختاری به سیستم، ساختار و رویه‌های جاری کسب و کار یک سازمان

## ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

اشاره دارد. به بیان روشن‌تر، سرمایه‌ساختاری ممکن است تبلور فرهنگ سازمان باشد. این فکر که در قرن بیست و یکم تنها روش یک سازمان برای حفظ مزیت رقابتی خود، و یادگیری سریع تر از رقبا است، بسیار تأیید شده است؛ همچنین، فرآیند عملیاتی تضمین‌کننده کارهای عملیاتی مختلف یک سازمان است. مدیریت کیفیت جامع و مهندسی مجدد فرآیندها که در اواخر قرن بیستم به صورت فراگیر به آنها توجه می‌شده است، بر بهبود فرآیندها در جهت افزایش کارایی عملیاتی و کاهش هزینه تولید تمرکز دارند. سیستم اطلاعاتی نیز شامل ذخیره‌سازی، دسترسی و انتقال اطلاعات درونی سازمان است. سیستم اطلاعاتی مطلوب در یک سازمان، به جریان اطلاعات سرعت می‌بخشد، کارایی عملیاتی را افزایش می‌دهد و یادگیری درون سازمانی را تسریع می‌کند. اگر سیستم‌ها و رویه‌های کاری سازمان ضعیف باشد، سرمایه‌فکری کلی به حداکثر توانایی بالقوه خود نخواهد رسید؛ اما سازمان‌های با سرمایه‌ساختاری قوی یک فرهنگ حمایتی خواهند داشت که به افراد امکان می‌دهد به کارهای جدیدی رو آورند، با شکست روبه‌رو شوند و یاد بگیرند. در مجموع، سرمایه‌ساختاری را می‌توان متشکل از مؤلفه‌هایی چون فرهنگ، حق کپی یا مالکیت معنوی، پایگاه اطلاعاتی، سیستم‌های کامپیوتری، اینترنت، فرآیندها، پژوهش و توسعه، کارایی و اثربخشی، رویه‌ها، خط‌مشی‌ها، ساختار، نمودار سازمانی و استراتژی‌ها دانست. سناریوهای مفید برای شناسایی دارایی‌های نامشهود نیز شامل تحلیل بنیادی، آینده‌پژوهی و پیش‌بینی است که می‌تواند ابزاری مناسب برای شناسایی این دارایی‌ها باشد.

در پاسخ به این سوال که چه روابطی بین عوامل اثرگذار بر گزارشگری دارایی‌های نامشهود وجود دارد؟ نیز **مقوله مداخله‌گر** این عوامل را نشان داد:

مقوله مداخله‌گر این پژوهش نیز گزارشگری مالی بود که نشان‌دهنده این است که افشای دارایی نامشهود مشروط به داشتن عامل مداخله‌گر سیستم گزارشگری است که چهار مؤلفه برای آن شناسایی شد؛ ضرورت گزارشگری نامشهودها، کاستی‌های گزارشگری دارایی نامشهود و روش گزارشگری آنها. ضرورت گزارشگری نامشهودها شامل مؤلفه‌های سیستم گزارشگری جدید، وجود فرانشیز و حق انحصاری، اهمیت اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود، حق مالکیت معنوی، کاهش بحران مالی و محاسبه آسانتر درآمدها است که می‌توان با استفاده از روش‌های گزارش مکمل، بکارگیری روش‌های تحلیل حساسیت یا تحلیل سناریو در ارائه اطلاعات مکمل و استفاده از سرمایه‌فکری به عنوان اهرمی برای سودآوری گزارشگری‌ها را بهبود بخشید. کاستی‌های گزارشگری دارایی نامشهود شامل عدم افشا در گزارشگری برای کالاهای نامشهود، عناصر فراموش شده، عدم لحاظ استهلاک، عدم وحدت رویه شرکت‌ها در افشای دارایی‌های نامشهود، عدم گزارش ریز ارقام نامشهود و نیاز به تعریف استانداردهای

## فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار / شماره چهل و دوم / بهار ۱۳۹۹

جدید بودند. در نهایت نیز کیفیت اطلاعات با مولفه هایی چون وزن بیشتر مربوط بودن نسبت به قابل اتکا بودن، تعیین کنندگی آثار مخرب در وزن دهی ویژگی های کیفی و ویژگی های کیفی اطلاعات حسابداری مولفه هایی بودند که برای بعد مداخله گر یعنی گزار شگری شناسایی شدند. یافته های این مقوله با مطالعات پارشاکوف و شکینا (۲۰۲۰)، آل هامادین و همکاران (۲۰۱۴)، نیک کار و همکاران (۱۳۹۷) و مشایخی و بیرامی (۱۳۹۷) همراستاست.

در نهایت نیز **مقوله راهبرد** با چهار مولفه ضریب اتکا، ارزش شگذاری، افشا و شناسایی مطرح بود. افزایش قابلیت اتکای اطلاعات ارائه شده با ارائه گزارش های موسسات رتبه سنجی حاصل می شود، قیمت گذاری ضریب اتکا، ویژگی کیفی قابل فهم، عدم دستیابی به ویژگی قابلیت اتکا راهکارها و مسائل ضریب اتکا در کالاهای نامشهود را نشان می دهد. برای ارزش گذاری در کالاهای نامشهود ارزش سرقفلی، نیاز به ایجاد یک مدل، ارزش بازار شرکت، وزن بیشتر به ارائه اطلاعات محافظه کارانه تا مربوط، افشای اطلاعات بصورت مکمل، ارزیابی دقیقی از ارزش بازار، ارائه اطلاعات مکمل با توجه به نیازهای برخی ذینفعان، ارائه اطلاعات کمی و کیفی، شناسایی هزینه، مبانی ارزشیابی دارایی ها، نوع فعالیت، لحاظ شدن نوآوری و شایستگی، شکاف فزاینده بین ارزش دفتری و ارزش بازار و تدابیر جدید مولفه های هستند که در مقوله راهبردی شناسایی شدند. به طور عمده در دو دهه گذشته، محققان به دنبال پاسخ به علت این نابرابری هستند. اتفاق نظر وجود دارد که یکی از دلایل تفاوت در ارزش بازار و ارزش دفتری به دلیل دارایی های نامشهودی است که در ترازنامه شرکت ها گنجانده نشده است. یکی از این دارایی های نامشهود، همان سرمایه فکری است.

و اما **مقوله محوری** این پژوهش که در تمام مقوله ها رد آن مشهود بود ارائه ی اطلاعات مفید برای تصمیم گیری است که به وضعیت ساختار سرمایه، ساختار منابع انسانی، قدرت واحد تجاری، تامین مالی و فعالیت های سرمایه گذاری، رعایت استانداردهای تصمیمات اقتصادی و رابطه پاسخگویی و پاسخ خواهی وابسته است. مولفه های این مقوله با مطالعاتی چون نورانی و همکاران (۱۳۹۸) و پارشاکوف و شکینا (۲۰۲۰) در یک راستا قرار دارد.

در پاسخ به این سوال که **پیامدهای مدل گزار شگری** دارایی های نامشهود چیست؟ نیز مقوله پیامد شامل چهار مولفه از منظر برند، ارزش شگذاری دارایی نامشهود، ناکارایی صورتهای مالی سنتی و رشد شرکت است. منظر برند بر اساس فعالیت، بر اساس دارایی ها، میزان نوآوری، شایستگی های اقتصادی، نوع صنعت و نحوه چگونگی نگهداشت سرمایه های انسانی است.

## ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

در ادامه ابعاد و مولفه‌های موثر بر "ارائه‌ی اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری"، راهبردهای مربوط به پدیده و پیامدهای مربوط به راهبرد به شرح ذیل بررسی و تحلیل می‌شود:

### **الف. ابعاد و مولفه‌های موثر بر "ارائه اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری"**

ارز شگذاری: یکی از مواردی که توسط اکثر صاحب‌شوندگان مورد تاکید قرار گرفته تبیین نقش دارایی‌های نامشهود در ارزش‌آفرینی و ایجاد درآمد در شرکت، یا عبارتی همان تبیین نقش دارایی‌های نامشهود در زنجیره ارزش شرکت بود. زنجیره ارزش مجموعه‌ای از فعالیت‌های مرتبط با یکدیگر است که هر شرکت برای ارائه محصولات یا خدمات و خلق ارزش به آنها نیاز دارد. زنجیره ارزش می‌تواند ابزار مناسبی برای کمک به تصمیم‌گیری‌ها باشد. بر اساس گزارش دبیر کل سازمان همکاری توسعه اقتصادی، ظهور زنجیره ارزش در اواخر دهه ۱۹۹۰ باعث ایجاد تغییرات سریع در چشم‌انداز سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌الملل شد.

**افزایش قابلیت درک گزارش‌ها:** با وجود اینکه یکی از ویژگی‌های کیفی مربوط به ارائه اطلاعات در چارچوب نظری گزار شگری مالی ایران، قابل فهم بودن است، صاحب‌شوندگان معتقدند هنوز در ارتباط با بسیاری از مفاهیم مورد استفاده در صورت‌های مالی درک یکسانی وجود ندارد و بسیاری دیگر از موارد افشا شده نیز نیاز به تفسیر بیشتری دارند. ویژگی قابل فهم بودن باعث می‌شود اطلاعات برای استفاده‌کنندگان قابل درک باشد. گزارش‌های مالی باید اطلاعات را به نحوی ارائه کند که جواب‌گوی نیازها و متناسب با دانش پایه‌ای استفاده‌کنندگان آنها و بیانگر ماهیت اطلاعات ارائه شده باشد. کاربران خواستار ارائه اطلاعات بیشتر در پاورقی یا پیوست گزارش‌های مالی می‌باشند تا از طریق آن درک یکسانی از مفاهیم و واژه‌ها برای کاربران ایجاد نماید.

### **گزارش‌های تفصیلی در قالب یادداشت‌های مکمل و افشاهای خارج از چارچوب: برای**

داشتن اطلاعات بهتر برای تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری، سهامداران و سرمایه‌گذاران باید دانش و آگاهی بیشتری در مورد دارایی‌های پنهان یک سازمان داشته باشند. حسابداری سنتی از طریق گزارش‌هایی که برای این اهداف تهیه نشده بودند، تا حدی می‌توانست تصویر مناسبی از دارایی‌های نامشهود سازمان فراهم کند، ولی این به تنهایی جوابگوی نیازهای سرمایه‌گذاران و سهامداران نیست. اگر سرمایه‌گذاران، اطلاعات کاملی در مورد ارزش سازمان و دارایی‌های پنهان آن نداشته باشند، ارزیابی آنها از وضعیت سازمان دارای اعتبار کمتری خواهد بود. تحلیلگران مالی نیز برای درک بهتر ارزش سازمان، باید اطلاعات درستی در مورد ارزش دارایی‌های پنهان آن داشته باشند. بدون داشتن اطلاعات

مفصل در مورد دارایی‌های نامشهود سازمان و درک چگونگی کمک کردن این اطلاعات در رسیدن به اهداف استراتژیک، تجزیه و تحلیل کنندگان نمی‌توانند ارزیابی درستی از وضعیت سازمان انجام دهند. این امر، منجر به افزایش ابهام برای سرمایه‌گذاران و بانک‌ها می‌شود و باعث خواهد شد که آنها ریسک بیشتری برای سرمایه‌گذاری یا دادن اعتبار، برای سازمان در نظر بگیرند. بطور کلی سازمان‌ها به وضعیت روابطشان با شرکای تجاری، تأمین‌کنندگان و تمامی کسانی که منفعی در سازمان دارند، بسیار اهمیت می‌دهند. یکی از راه‌های کسب اطمینان این افراد و داشتن روابط مستحکم با آنها در اختیار گذاشتن اطلاعات دقیق در مورد دارایی‌ها بویژه دارایی‌های ارزش آفرین و پنهان موجود در سازمان است.

**تشریح واژه‌ها، اصطلاحات و مفاهیم صورت‌های مالی:** بررسی تحلیلی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد فارغ از تعاریف آکادمیک برای عناصر گزارش‌های مالی، بسیاری از واژه‌ها، اصطلاحات و ارقام مورد استفاده در گزارش‌های مالی، از دیدگاه استفاده کنندگان معانی یکسانی ندارند. مصاحبه شوندگان معتقدند اگر در ارتباط با ارقام و سایر اطلاعات ارائه شده در گزارش‌های مالی توضیحات بیشتری در پاورقی یا یادداشت‌های پیوست ارائه شود علاوه بر اینکه قابل فهم بودن را تقویت می‌کند، از برداشت‌های متفاوت از این ارقام جلوگیری خواهد نمود. علاوه بر این تفسیر مبنای مورد استفاده در مورد چگونگی شناسایی و گزارش یک قلم در صورت‌های مالی می‌تواند راهگشا باشد. برای مثال یکی از مصاحبه شوندگان معتقد است در ارتباط با دارایی‌های نامشهود مربوط بودن باید وزن بیشتری نسبت به قابل اتکا بودن داشته باشد اما کاربر دیگر معتقد بود اطلاعات غیر قابل اتکا نمی‌تواند مفید باشد. با ارائه اطلاعات پیوست و مکمل می‌توان در استفاده کنندگان این آگاهی را ایجاد نمود که گزارش‌های فعلی چه وزنی از مربوط بودن یا قابلیت اتکا را دارا می‌باشد. همچنین با این نحوه عمل علاوه بر اینکه می‌توان قابلیت اتکا فعلی گزارش‌های مالی را حفظ نمود، قابلیت فهم اطلاعات صورت‌های مالی را نیز می‌توان بهبود بخشید و درک یکسانی از اطلاعات برای استفاده کنندگان ایجاد کرد.

تقویت ویژگی‌های کیفی مربوط و قابل اتکا بودن: رویکرد فعلی گزارشگری دارایی‌های نامشهود بر ویژگی کیفی قابل اتکا بودن استوار است و در توازن بین اطلاعات مربوط و قابل اتکا، قابلیت اتکا وزن بسیاری بیشتری نسبت به مربوط بودن دارد. بنابراین لازم در راستای دستیابی به هدف ارائه اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری، ویژگی مربوط بودن اطلاعات باید بیشتر تقویت شود.

این تحقیق تجربی نشان داد که کاربران صورت‌های مالی علاقه‌ای به اندازه‌گیری، مدل گزارش‌گیری و رویکرد خاص ندارند. این با نتایج دومای و همکاران (۲۰۱۳) سازگار است که بیان می‌کند، به نظر نمی‌رسد ذینفعان به یک روش اندازه‌گیری و گزارش‌گیری خاص علاقه داشته باشند، حتی اگر



### ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خریدار

محققان و متخصصان همچنان به تدوین مدل های جدید اندازه گیری و گزارش سرمایه گذاری فکری بپردازند. دومای (۲۰۱۲) معتقد است که دارایی های نامشهود به هیچ وجه از لحاظ پولی قابل اندازه گیری نیست. مصاحبه ها نیز نشان داد که کاربران صورت های مالی تمایل به پذیرفتن یک عدد برای نشان دادن ارزش عادلانه مبتنی بر مدل برای دارایی های نامشهود ندارند.

پیشنهاد های این پژوهش برگرفته از یافته هایی است که از دیدگاه های پنج گروه اصلی کاربران گزارشگری دارایی های نامشهود مستخرج شده است، بر این اساس در راستای تقویت مفید بودن اطلاعات برای تصمیم گیری استفاده کنندگان، همانگونه که سازمان بورس در آخرین تغییرات گزارشگری شرکت ها، ارائه اطلاعات تفصیلی و همچنین یادداشت های مربوط به ریسک و غیره را ملزم نمود، به سیاست گذاران و استاندارداردگذاران حسابداری نیز پیشنهاد می گردد، در راستای بهبود و اثربخشی گزار شگری دارایی های نامشهود الزاماتی بیاندیشند تا بر اساس آن تهیه کنندگان گزارش های مالی اطلاعات تفصیلی و تحلیلی بیشتری را در ارتباط با این قبیل دارایی ها ارائه نمایند. این مهم با اضافه کردن چند پیوست به یادداشت های توضیحی فعلی می تواند تا حدودی محقق شود (لازم به ذکر است نیاز به الزام مذکور در شرکت های کاربر محور و دانش محور بشدت ملموس است).

در راستای بهبود قابلیت اتکای یادداشت های مذکور، در صورت با اهمیت بودن، علاوه بر اظهار نظر ضمنی حسابرسان، شرکت ها ملزم به استفاده از گزارش مستقل ارزیابان بیرونی همچون موسسات رتبه سنجی و اعتبار سنجی گردند. بکارگیری این رویکرد می تواند علاوه بر حفظ چارچوب فعلی گزار شگری مالی و عدم خدشه به قابلیت اتکای صورت های مالی اطلاعات مربوط و موثر بیشتری را در اختیار کاربران قرار دهد.

## فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار / شماره چهل و دوم / بهار ۱۳۹۹

### منابع

- ۱) برزیده، فرخ؛ باباجانی، جعفر و عبدالهی، احمد. طراحی الگوی هویت در قضاوت حسابرسی با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد. دانش حسابرسی. ۱۳۹۷. شماره ۷۱، ۳۶-۵.
- ۲) بیات، رقیه؛ شعبانی، مریم و کلانتری، محمدحسین. سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود بر جریان-های نقد عملیاتی آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری. ۱۳۹۵، ۲ (۱)، ۸۵-۹۷.
- ۳) خدابی پور، احمد و برزایی، یونس. بررسی عوامل حاکمیتی موثر بر کیفیت افشا و تاثیر رقابت بازار بر رابطه بین آن‌ها. فصلنامه حسابداری مالی. ۱۳۹۲، ۵ (۲۰)، ۲۲-۴۱.
- ۴) دانایی فرد، حسن و امامی، سید مجتبی. استراتژی‌های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه پردازی داده بنیاد. اندیشه مدیریت. ۱۳۸۶. شماره ۲، ۶۹-۹۷.
- ۵) رحمانی، علی و بشیری منش، نازنین. مروری بر ادبیات افشاء اطلاعات در ایران. فصلنامه پژوهش حسابداری. ۱۳۹۳، ۴ (۱۵)، ۳۵-۶۸.
- ۶) شمس، شهاب‌الدین و خلیلی، مهدی. بررسی رابطه سرمایه فکری و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. چشم انداز مدیریت مالی و حسابداری. ۱۳۹۰، شماره ۱، ۶۵-۵۱.
- ۷) مشایخ، شهناز و میمنت آبادی، شیوا. افشای حسابداری، کیفیت حسابداری، محافظه کاری شرطی و غیر شرطی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. ۱۳۹۳، ۶ (۲۴)، ۵۳-۷۰.
- ۸) مشایخی، بیتا؛ بیرامی، هانیه و بیرامی، هانی. تعیین ارزش دارایی‌های نامشهود با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی. پژوهش‌های تجربی حسابداری. ۱۳۹۳، ۴ (۲)، ۲۲۳-۲۳۸.
- ۹) مشایخی، بیتا؛ سیدی، جلال و زرگران یزد، هستی. بررسی عوامل موثر بر افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۱۳۹۳، ۴ (۱۶)، ۹۵-۱۲۱.
- ۱۰) نورانی، حسین، خدابی پور، احمد، پورحیدری، امید. (۱۳۹۸). ارتباط ارزشی استهلاک سرقفلی و تأثیر اهرم مالی بر این رابطه با در نظر گرفتن استانداردهای ملی و بین‌المللی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۹ (۲)، ۳۶۷-۳۹۱.
- ۱۱) مهرآذین، علیرضا و عباس نژاد، فاطمه. اثر محافظه کاری و افشا بر هزینه سرمایه سهام عادی. پژوهش‌های تجربی حسابداری. ۱۳۹۲، ۳ (۱)، ۱۱۰-۹۰.

### ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود.../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

۱۲) نیک کار، جواد، همت فر، محمود، اعصامی، مریم. تأثیر سرمایه‌گذاری در دارایی نامشهود در توضیح دهندگی تأثیر سلامت مالی و مشکلات نمایندگی در ارزش بازار شرکت. مدیریت دارایی و تأمین مالی. ۱۳۹۷، ۶(۱)، ۲۸-۱۱.

۱۳) مشایخی، بیتا؛ بیرامی، هانیه و بیرامی، هانی. ارایه الگوی اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود. پژوهش‌های حسابداری مالی. ۱۳۹۷، ۱۰(۳)، ۴۵-۶۸.

14) Al-Hamadeen, R., Alsharairi, M & Qaqish, H. (2014). Intangibles Disclosure: Evidence from Annual Reports of the Jordanian Industrial Public Listed Companies.

15) Alwert, K., Bornemann, M., Will, M., (2009). "Does intellectual capital reporting matter to financial analysts?". Journal of Intellectual Capital, Vol.10, No.3, p.366.

16) Andreou, N.A., Green, A., Stankosky, M., (2007). "A framework on intangible valuation areas and antecedents". Journal of Intellectual Capital, Vol.8, No.1, pp.52-75.

17) Andriessen, D. IC valuation and measurement: classifying the state of the art. Journal of Intellectual Capital. 2004a, Vol.۵, No.۲, pp.۲۴۲-۲۳۰.

18) Arnold, V., Bedard, J.C., Phillips, J., Sutton, S.G. The impact of tagging qualitative financial information on investor decision making: implications for XBRL. International Journal of Accounting Information Systems. 2012, Vol. ۱۳, No. ۱, pp. ۲۰-۲.

19) Australian Accounting Standards Board (AASB), (2008). "Initial Accounting for Internally generated Intangible Assets". Discussion Paper, October 2008, principal authors Keys, R. and Arden, D., available at <http://www.aasb.gov.au/Work-In-Progress/Pending.aspx> (last visit on 6 January 2013).

20) Barney, Jey. Firm resources and sustained competitive advantage. Journal of Management. 1991, Vol. ۱۷, No. ۱, pp. ۱۲۰-۹۹.

21) Bounfour, A., (2003). 'The IC-dVAL Approach'. Journal of Intellectual Capital, Vol.4, No.3, pp.396-412.

22) Burgman, R., Roos, G. The importance of intellectual capital reporting: evidence and implications. of Intellectual Capital. 2007, Vol.۸, No.۱, pp.۷ – 51.

23) Castilla-Polo, F., & Ruiz-Rodríguez, C. Content analysis within intangible assets disclosure: a structured literature review. Journal of Intellectual Capital. 2017, doi: ۱۰.۱۱۰۸/JIC-.۰۱۲۳-۲۰۱۶-۱۱

24) Castro, G.M. de, Sáez, P.L. Intellectual capital in high-tech firms: The case of Spain. Journal of Intellectual Capital. 2008, Vol.۹, No.۱, pp.۳۶-۲۵.

25) Chan, L. Lakonishok, T. & Sougiannis. The stock market valuation of research and development expenditures. The Journal of Finance. 2001, ۵۶, ۲۴۵۶-۲۴۳۱.

26) Chander, S., & Mehra, V. (2011). A study on intangible assets disclosure: An evidence from Indian companies. Intangible Capital, 2011 – 7(1): 1-30 - ISSN: 1697-9818 doi:10.3926/ic.2011.v1n7.p1-30.

27) Creswell J. (2005). Educational research: Planning, conducting and evaluating quantitative and qualitative research. 2nd ed. Oxford: Oxford University Press.

- 28) Damodaran, A., (2002). "Investment Valuation – Tools and Techniques for Determining the Value of Any Asset". 2nd Edition, New York: John Wiley & Sons, Inc.
- 29) De Waegenaere, A., Sansing, R. C., & Wielhouwer, J. L. (2017). Development cost capitalization during R&D races. *Contemporary Accounting Research*, 34(3), 1522–1546.
- 30) Dumay, J., Garanina, T. Intellectual capital research: A critical examination of the third stage. *Journal of Intellectual Capital*. 2013, Vol. ۱۴, No. ۱ (Date online ۲۰۱۲/۹/۱۶; early cite pre-publication article; downloaded on ۴Jan. ۲۰۱۳).
- 31) Eckstein, C. The measurement and recognition of intangible assets. *Accounting Forum*. 2004, ۲۸, ۱۵۸-۱۳۹.
- 32) Edvinsson, L. IC ۲۱ – Reflections from ۲۱ years of IC Practice and Theory. *Journal of Intellectual Capital*. 2013, Vol. ۱۴, No. ۱, pre-publication article.
- 33) Farooq, O., Nielsen, C., (۲۰۱۴). "Improving the information environment for analysts: Which intellectual capital disclosures matter the most?". *Journal of Intellectual Capital*, Vol. ۱۵, No. ۱, pp. ۱۵۶-۱۴۲
- 34) Financial Accounting Standards Board (FASB), (2000). "Business reporting research project: electronic distribution of business information". Norwalk: Financial Accounting Standards Board.
- 35) Financial Accounting Standards Board (FASB), (2001). "Business and Financial Reporting, Challenges from the New Economy". Special Report, Financial Accounting Series No. 219-A, April 2001. Available also at: [www.FASB.org](http://www.FASB.org).
- 36) Flamholtz, E.G., (1985). "Human Resource Accounting – Advances in Concepts, Methods, and Applications". San Francisco/ USA: The Jossey-Bass management series.
- 37) Garanina, T. A., Dumay, J. Intellectual capital disclosure impact in IPOs pre and post GFC: evidence from NASDAQ. Proceedings of the ۱۱th International Conference on Intellectual Capital, Knowledge Management and Organisational Learning, ICICKM. ۲۰۱۴, Sydney, pp. ۱۷۵-۱۶۶
- 38) Garcia-Ayuso, M., (2003). "Factors explaining the inefficient valuation of intangibles". *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol.16, No.1, pp.57-69.
- 39) Garcia-Meca, E., Martinez, I. The use of intellectual capital information in investment decisions – an empirical study using analyst reports". *The International Journal of Accounting*. 2007, Vol.۴۲, pp. ۸۱-۵۷
- 40) Guthrie, J., Ricceri, F., Dumay, J. Reflections and projections: A decade of intellectual capital accounting research. 2012, *British Accounting Review*, Vol.,۴۴ No.۲, pp.۸۲-۶۸
- 41) Holland, J. "Fund management, intellectual capital, intangibles and private disclosure. *Managerial Finance*. 2006, Vol.۳۲, No.۴, pp.۳۱۶-۲۷۷
- 42) Holland, J. Looking behind the veil': invisible corporate intangibles, stories, structure and contextual information content of disclosure. *Qualitative Research in Financial Markets*. 2009, Vol. ۱, No.۳, pp. ۱۸۷-۱۵۲.

ارائه چارچوبی کاربر محور برای بهبود .../دلیریان، مشکئی، محمدی نوده و خردیار

- 43) Hoogendoorn, M., Bos, A. d., Krens, F., Veerman, W., Beek, H. t. TRANSPARENCY IN INTELLECTUAL CAPITAL. International Symposium – Measurement and Reporting Intellectual Capital: Experience, Issues and Prospects, Country Covered: The Netherlands, organized by the OECD, the Ministries of Economic Affairs, and of Education, Culture and Science of the Netherlands and the Nordic Industrial Fund, Technical Meeting ۱۰-۹ June ۱۹۹۹ in Amsterdam.
- 44) International Accounting Standards Board (IASB). Conceptual Framework for Financial Reporting”. International Standards Board, September. ۲۰۱۰.
- 45) International Integrated Reporting Council (IIRC). The International <IR> Framework. Last retrieval on ۱۳ January ۲۰۱۷ at: <http://integratedreporting.org/wp-content/uploads/۰۸-۱۲-۱۳/۰۳/۲۰۱۵-THE-INTERNATIONAL-IR-FRAMEWORK--۲۱.pdf>.
- 46) Jones, S. Does the Capitalization of Intangible Assets Increase the Predictability of Corporate Failure?. Accounting Horizons. 2011, Vol.۲۵, No.۱, pp.۷۰-۴۱.
- 47) Kang, H., Gray, S.J. The Content of Voluntary Intangible Asset Disclosures: Evidence from Emerging Market Companies. Journal of International Accounting Research. 2011, Vol.۱۰, No.۱, pp.۱۲۵-۱۰۹.
- 48) Kaplan, R.S., Norton, D.P., (1996). ‘Using the Balanced Scorecard as a Strategic Management System’. Harvard Business Review, Vol.74, No.1, pp.75-85.
- 49) Kaplan, R.S., Norton, D.P., (2000). ‘Having Trouble with your Strategy? Then Map It’. Harvard Business Review, Vol.78, No.5, pp.167-176.
- 50) Kaufmann, L., Schneider, Y. Intangibles – A synthesis of current research. Journal of Intellectual Capital. 2004, Vol.۵, No.۳, pp.۳۸۸-۳۶۶.
- 51) Kelton, A.S., Pennington, R.R. Internet financial reporting: The effects of information presentation format and content differences on investor decision making. Computers in Human Behavior. 2012, Vol. ۲۸, pp. ۱۱۸۵-۱۱۷۸.
- 52) Keuleneer, L., Verhoog, W., (2003). “Recent Trends in Valuation: From Strategy to Value”. Chichester, England: John Wiley & Sons Ltd.
- 53) Konrad Group, (1989). „The Invisible Balance Sheet – key indicators for accounting, control and valuation of know-how companies”. K.E.Sveiby (Ed.).
- 54) Kristandl, G., Bontis, N. Constructing a definition for intangibles using the resource based view of the firm. Management Decision. 2007, Vol.۴۵, No.,۹ pp..۱۵۲۴-۱۵۱۰.
54. Labidi, M., & Gajewski, J. F. (2019). Does increased disclosure of intangible assets enhance liquidity around new equity offerings?. Research in International Business and Finance, 48, 426-437.
- 55) Laughlin, R.C. Critical reflections on research approaches, accounting regulation and the regulation of accounting. The British Accounting Review. 2007, Vol. ۳۹, pp-۲۷۱ .۲۸۹
- 56) Laughlin, R.C., Puxty, A.G. Accounting Regulation: An Alternative Perspective. Journal of Business Finance and Accounting. 1983. Vol. 26, pp.-۴۵۱.471.

- 57) Lev, B. (2018). Ending the Accounting-for-Intangibles Status Quo. *European Accounting Review*.
- 58) Lev, B. A rejoinder to Douglas Skinner's 'Accounting for intangibles – a critical review of policy recommendations. *Accounting and Business Research*. 2008. Vol.۳۸, No.۳, pp.۲۱۳-۲۰۹.
- 59) Lev, B., Radhakrishnan, S., Zhang, W. Organizational capital. *Abacus*. 2009. Vol.۴۵, No.۳, pp.۲۹۸-۲۷۵
- 60) Lewis, R., Pendrill, D. *Advanced Financial Accounting*. Harlow/ Essex/ England: Pearson Education Limited, Seventh Edition. International Integrated Reporting Council (IIRC), ۲۰۱۷. "The International <IR< Framework". Last retrieval on ۱۳ January ۲۰۱۷ at: <http://integratedreporting.org/wp-content/uploads/۰۸-۱۲-۱۳/۰۳/۲۰۱۵ THEINTERNATIONAL-IR FRAMEWORK-۱-۲.pdf>.
- 61) Lewis, R., Pendrill, D. *Advanced Financial Accounting*. Harlow/ Essex/ England: Pearson Education Limited, Seventh Edition. 2004.
- 62) Linnainmaa, J. T., & Roberts, M. R. (2018). The history of the cross-section of stock returns. *The Review of Financial Studies*, 31(7), 2606–2649.
- 63) Luthy, D.H. Intellectual capital and its measurement. College of Business, APIRA ۹۸ working paper, 1988. No.۲۵. Utah/ USA: Utah State University.
- 64) Mard, M.J., Hitchner, J.R., Hyden S.D., (2007). "Valuation for Financial Reporting: The Determination of Fair Value for Audited Intangible Assets". 2nd Ed., Hoboken, New York: John Wiley & Sons.
- 65) Mills, R. Intangible assets and intellectual capital. Faculty of Finance and Management. 2002. Issue ۲۰, pp.۲۲-۱۷.
- 66) Milost, F., (2007). "A dynamic monetary model for evaluating employees". *Journal of Intellectual Capital*, Vol.8, No.1, pp.124-138.
- 67) Muehlenbrock, S. Intangibles disclosure: A user-based approach to enhanced external financial reporting. 2017. PhD Thesis. University of Brighton.
- 68) Nazari, J.A., Herremans, I.M., Warsame, H.A. Sustainability reporting: external motivators and internal facilitators. *Corporate Governance*. 2015, Vol.۱۵, No. ۳, pp. ۳۹۰-۳۷۵
- 69) Nold, H.A. Linking knowledge processes with firm performance: organizational culture. *Journal of Intellectual Capital*. 2012, Vol.۱۳, No.۱, pp.۱۶- ۳۸
- 70) Oswald, D. R., Simpson, A. V., & Zarowin, P. (2017). The information benefits of R&D capitalization. New York University. Retrieved from SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2952388> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2952388>.
- 71) Ousama, A.A., Fatima, A.H., Hafiz Majdi, A.R. Usefulness of intellectual capital information: preparers' and users' view. *Journal of Intellectual Capital*. 2011. Vol.۱۲, No.۳, pp.۴۴۵-۴۳۰.

- 72) Ozcan, A. (2017). Analysis of value relevance of intangible assets under international financial reporting standards: evidence from Borsa Istanbul. Journal of Social Sciences Institute, 14 (40), 364-377.
- 73) Patel, N., Narain, U. Can intangible assets act as a cushion in a downturn?. Available at: [http://www.watsonwyatt.com/pubs/directions/media/2009\\_EU\\_12783\\_Directions\\_CP05\\_Intangibles.pdf](http://www.watsonwyatt.com/pubs/directions/media/2009_EU_12783_Directions_CP05_Intangibles.pdf) (last access 1 August 2011).
- 74) Reilly, R.F., (2001). "Valuation of Intangible Assets in Dot.Com and Intellectual Property Intensive Companies". American Journal of Family Law, Vol.15, Part 1, pp.36-46.
- 75) Reilly, R.F., Schweihs, R.P., (1998). 'Valuing intangible assets'. New York: Mc Graw-Hill.
- 76) Rennie, M. (1999). "Accounting for Knowledge Assets: Do we need a new Financial Statement?". forth coming in: The International Journal of Technology Management.
- 76) Rezaei, E. (2014). Statistical analysis of the impact of intellectual capital elements on future performance: A case study of Tehran Stock Exchange. Research Journal of Recent Sciences
- 77) Rodov, I., Leliaert P. FiMIAM: Financial method of intangible assets measurement. Journal of Intellectual Capital, 2002. Vol. 3, No.3, p.336-323.
- 78) Roos, J., Roos, G., Edvinsson, L., Dragonetti, N.C., (1997). 'Intellectual Capital – Navigating in the New Business Landscape'. London: Macmillan Press.
- 79) Samudhram, A., Shanmugam, B., Low, K.L.T., (2008). "Valuing human resources: an analytical framework". Journal of Intellectual Capital, Vol.9, No.4, pp.655-667.
- 80) Securities and Exchange Commission (SEC). The Path Forward on Disclosure. Speech made by SEC Chair Mary Jo White at the National Association of Corporate Directors – Leadership Conference 2013 in National Harbor, Md., on 15 Oct. 2013. Text retrieved on 14 January 2014 at: <https://www.sec.gov/News/Speech/Detail/Speech/1370539878806>
- 81) Skinner, D.J. Accounting for intangibles – a critical review of policy recommendations. Accounting and Business Research. 2008a. Vol.38, No.3, pp. 191-204.
- 82) Solomons, D. Criteria for Choosing an Accounting Model. Accounting Horizons. 1995. Vol.9, No.1, March, pp.51-42
- 83) Stark, A.W. Intangibles and research – an overview with a specific focus on the UK: Plus ça change, plus c'est la meme chose. International Accounting Policy Forum: Accounting and Business Research. 2008. Vol.38, No.3, pp.285-275
- 84) Strauss, A.L., Corbin, J.M., (1990). "Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques". Newbury Park, Calif.: Sage.
- 85) Strauss, A.L., Corbin, J.M., (1998). „Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory". 2nd Edition, Thousand Oaks/ Calif.: Sage.
- 86) Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (1998), Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, 2nd Ed., Sage.

- 87) Sullivan, P.H., (2000). "Value-driven intellectual capital: how to convert intangible corporate assets into market value". New York: John Wiley & Sons.
- 88) Sveiby, K.E. Methods for Measuring Intangible Assets. Retrieved from [www.sveiby.com/articles/IntangibleMethods.htm](http://www.sveiby.com/articles/IntangibleMethods.htm), last visit on ۲۳ November ۲۰۰۹.
- 89) Tan, P. M.-S., Lim, C.Y., (2007). "The value relevance of accounting variables and analysts' forecasts: The case of biotechnology firms". Review of Accounting and Finance, Vol.6, No.3, pp.233-253.
- 90) Trigeorgis, L., (2000). "Real Options: Managerial Flexibility and Strategy in Ressource Allocation". Cambridge/ London: MIT Press.
- 91) Valladares Soler, L. E., Cuello de Oro Celestino, D.J. Evaluating the scope of IC in firms' value. Journal of Intellectual Capital. 2007. Vol.۸, No.۳, pp.۴۷۰- 493.
- 92) Whitwell, G.J., Lukas, B.A., Hill, P. Stock analysts' assessment of shareholder value of intangible assets. Journal of Business Research. 2007. Vol.۶۰, pp.۸۴-۹۰.
- 93) Williams, S.M. Is intellectual capital performance and disclosure practices related?. Journal of Intellectual Capital. 2001, Vol.۲, No.۳, pp.۱۹۲-۲۰۳.
- 94) Wyatt, A. What financial and non-financial information on intangibles is value-relevant? A review of the evidence. Accounting and Business Research. 2008. Vol.۳۸, No.۳, pp.۲۱۷-۲۵۶.
- 95) Yparshakov, P. and Shakina, E. (2020), "Do companies disclose intellectual capital in their annual reports? New evidence from explorative content analysis", Journal of Intellectual Capital, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JIC-03-2019-0040>

یادداشت‌ها:

- 
- ۱ Edvinsson
- ۲ Jones
- ۳ Kang and Gray
- ۴ Positive accounting theory
- ۵ Resource-Based View
- ۶ Dynamic Capabilities View
- ۷ International Accounting Standards Board
- ۸ Laughlin & Puxty
- ۹ Australian Accounting Standards Board



۱۰ International Financial Reporting Standards

۱۱ Burgman & Roos

12 Sveiby

۱۳ Andriessen

۱۴ Dumay & Garanina

۱۵ Luthy

۱۶ William

۱۷ Market Capitalisation

۱۸ Rodov & et al.

۱۹ Hoogendoorn

۲۰ Mills

۲۱ Return on Assets

۲۲ Scorecard Methods

۲۳ Direct Intellectual Capital

۲۴ deductive

۲۵ inductive

26 High Tech

27 Doidge et al.

۲۸ Ozcan

۲۹ De Waegenaere

30 Al-Hamadeen et al.

31 Chander & Mehra

32 Sveiby

33 Guthrie and Petty

۳۴ Elliot

۳۵ Creswell

۳۶ Holliday

۳۷ Bryman

۳۸ Intangibles Disclosure Framework